



الگوی توسعه ایرانی در برقراری موازنه اقتصادی بین المللی؛ مطالعه موردی دوره وزارت علینقی عالیخانی (۱۳۴۱-۱۳۴۸ش.)

مجتبی خالقی^۱، یعقوب خزایی^۲، محسن بهرام نژاد^۳، باقرعلی عادلفر^۴

۳۳

دوره ۱۳، شماره ۱ پیاپی ۳۳
بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲-۰۵-۱۸
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴-۰۲-۱۵
صص: ۱۱۲-۸۳

شاپا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی صنعت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

با انتصاب علینقی عالیخانی به عنوان وزیر اقتصاد در سال ۱۳۴۱ش، سیاست‌های اتخاذ شده از سوی این وزارتخانه، علی‌رغم اصطکاک‌های مکرر با دربار، روند صنعتی شدن کشور را دچار تحول کرد. آنچه که بعدها تحت عنوان «انقلاب صنعتی ایران» شناخته شد، از این مقطع تاریخی آغاز گردید. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی نقش سیاست‌های اقتصادی عالیخانی در نوسازی صنعتی و کشاورزی ایران و تعاملات اقتصادی ایران و شوروی در این دوره است. اهمیت این پژوهش از آن جهت است که برخلاف روایت غالب تاریخ‌نگاری که عادی سازی روابط با شوروی را صرفاً ابزاری برای کنترل ورود کمونیسم به ایران می‌داند، این تحقیق تلاش دارد نشان دهد که برخی نخبگان اقتصادی مخالف دربار، از طریق سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و انعقاد قراردادهای گوناگون با شوروی، به دنبال ایجاد موازنه مثبت میان شرق و غرب برای کسب امتیازات بیشتر بودند. روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است که با تکیه بر منابع مطالعاتی و اسناد و مدارک آرشیوی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رشد کمی و کیفی صنایع، در هر دو حوزه سبک و سنگین، موجب شد دولت وقت برای صنعتی سازی از دانش هر دو بلوک قدرت جهانی بهره‌برداری کند. همچنین، توسعه و مدرن سازی کشاورزی به عنوان بخشی از برنامه اقتصادی پهلوی، با الگوبرداری از تجارب شوروی، مورد توجه قرار گرفت. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی عالیخانی در تعامل با شوروی، نه صرفاً از سر مصلحت سیاسی، بلکه با هدف دستیابی به توسعه اقتصادی و استقلال در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی ایران دنبال می‌شد.

کلیدواژه‌ها: وزارت اقتصاد، علینقی عالیخانی، قراردادهای صنعتی، کشاورزی، شوروی، الگوی توسعه.

- ۱ - دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران
- ۲ - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)؛ y.khazaei@yahoo.com
- ۳ - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران
- ۴ - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران

مقدمه و بیان مسئله

حکومت پهلوی دوم از حاکمیت‌هایی بود که وابستگی سیاسی و اقتصادی زیادی به آمریکا داشت؛ از این رو سیاست خارجه این حکومت نیز وابسته به آمریکا بود. در دهه ۶۰ میلادی. با کاسته شدن تنش‌های بین آمریکا و شوروی این فرصت برای ایران پیش آمد تا وابستگی خود به را تا حدی کاهش دهد و بتواند با برقراری موازنه مثبت میان بلوک شرق و غرب، قدرت سیاسی و اقتصادی خود را افزایش دهد. در اوایل این دهه، کندی از حزب دموکرات به ریاست جمهوری آمریکا رسید. دکترین اصلی کندی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با شوروی و بلوک شرق بود. در واقع بحران موشکی کوبا و ترس از استفاده شوروی از سلاح اتمی و حضور آمریکا در جنگ ویتنام، زمینه اصلی انتخاب این دکترین برای سیاست خارجه بود. در ادامه سیاست تنش‌زدایی اجرایی شد. تنش‌زدایی و بهبود روابط آمریکا و شوروی در روابط اقمار آنها تأثیر گذاشت. به این ترتیب محمدرضا شاه پهلوی قادر نبود تا به‌عنوان متحد درجه یک آمریکا در منطقه، به خصوص با شوروی ادامه دهد؛ از اینرو تصمیم گرفته شد تا روابط با شوروی بهبود پیدا کند. این عوامل بعد سیاسی روابط با شوروی است. حزب توده ایران به دلیل سرکوب‌های گسترده دهه ۳۰ و کاهش نفوذ داخلی، دیگر نقش پررنگی در سیاست رسمی کشور نداشت. با این حال، شوروی همچنان از این حزب به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار غیرمستقیم بر حکومت پهلوی استفاده می‌کرد. هم‌زمان با سیاست تنش‌زدایی، مسکو از حمایت علنی خود از حزب توده کاست تا روابطش با تهران را بهبود بخشد. در این دوران، حزب توده بیشتر در فضای روشنفکری و محافل مخفی فعال بود و نفوذ محدودی در تصمیمات کلان کشور داشت. بنابراین، نقش این حزب در سیاست خارجی ایران کم‌رنگ، اما در محاسبات امنیتی حکومت پهلوی همچنان قابل توجه بود. همسایگی ایران و شوروی و داشتن هزاران کیلومتر مرز خشکی و آبی (دریای مازندران)، پی‌ریزی یک اتحاد تجاری و اقتصادی بین این دو کشور را ممکن و سوددهی مالی قابل توجهی را تضمین می‌نمود. به‌ویژه که موفقیت‌های چشمگیر اتحاد جماهیر شوروی در آن سال‌ها در زمینه توسعه صنعتی و کشاورزی جمهوری‌های آسیایی آن کشور که در همسایگی ایران قرار داشتند، بر اشتیاق دولت ایران برای انعقاد قراردادهای اقتصادی می‌افزود. شوروی در این دوره به کشورهای در حال توسعه نظیر هندوستان (کمک به توسعه صنایع ملی فولاد هند) و مصر (ساخت سد اسوان بر روی رود نیل) کمک‌های به‌صرفه اقتصادی و فنی ارائه می‌نمود و پاره‌ای از این کشورهای در حال توسعه با کمک این کشور به دستاوردهای چشمگیری نائل آمده بودند. علاوه بر این، قیمت تمام‌شده ماشین‌آلات، دستگاه‌ها، خدمات مستشاری و کمک‌های فنی روس‌ها در مقایسه با موارد مشابه رقبای غربی شان به مراتب کمتر و به صرفه‌تر بود (عالیخانی، ۱۳۹۳: ۴۴۳). شاه خود در رابطه با سیاست‌های خارجی‌اش و به‌ویژه روابط با شوروی می‌گوید که هدف اصلی‌اش این بوده که ایران بهترین روابط را با کشورهای همسایه داشته باشد و همواره جنگ را بر صلح ترجیح داده است (ایوانف، ۱۳۵۶: ۲۷۶). در راستای همین سیاست، محمدرضا شاه به شوروی اطمینان داد که هرگز اجازه استقرار پایگاه نظامی در ایران را به هیچ کشور خارجی نخواهد داد (همانجا). با این حال، در ظاهر، سیاست‌های داخلی شاه و مقابله‌اش با گروه‌های چپ‌گرا و کمونیستی ممکن است با این

نگرش به روابط با شوروی تناقض پیدا کند. سرکوب جریان‌های چپ داخلی و راه‌اندازی دادگاه‌ها برای مقابله با چریک‌های چپ‌زده، در بسیاری از موارد، به‌عنوان یک اقدام ضد شوروی تعبیر شده است. این اقدامات که به‌ویژه در زمان افزایش نفوذ گروه‌های چپ در ایران شدت گرفت، ممکن است در نگاه اول نشانه‌ای از نقض روابط با شوروی به نظر برسد. اما باید توجه داشت که این سرکوب بیشتر با انگیزه‌های داخلی و برای مقابله با تهدیدات سیاسی از سوی گروه‌های چپ انجام می‌شد. شاه، اگرچه در ظاهر به دنبال حفظ روابط مطلوب با شوروی بود، اما از سوی دیگر نمی‌توانست اجازه دهد که گروه‌های مارکسیستی داخلی تهدیدی برای سلطنت و ثبات سیاسی کشور به شمار آیند. در واقع، این اقدامات نمی‌توانند به‌طور کامل نشان‌دهنده نقض روابط با شوروی باشند، بلکه بیشتر نشان‌دهنده تمایل شاه به مدیریت فضای سیاسی داخلی و حفظ قدرت خود از طریق سرکوب جریان‌هایی بود که ممکن بود از حمایت‌های شوروی بهره‌مند شوند. بنابراین، سرکوب گروه‌های چپ‌گرا و فعالیت‌های مارکسیستی در ایران باید به‌عنوان یک اقدام در چارچوب سیاست‌های داخلی و کنترل اوضاع سیاسی کشور ارزیابی شود، نه صرفاً به‌عنوان سیاستی در تضاد با اتحاد با شوروی. در نهایت، شاه تلاش داشت تا سیاستی میان دو جناح شرق و غرب را دنبال کند و از این رو باید گفت که هرچند این اقدامات ممکن است در نگاه اول متناقض به نظر برسند، اما در واقع بازتاب‌دهنده تلاش‌های شاه برای حفظ تعادل در روابط خارجی و کنترل وضعیت داخلی کشور بودند.

در اکثر کتب تاریخی، مقالات پژوهشی و حتی خاطرات شخصی برجای مانده از سردمداران رژیم پهلوی دلیل اصلی روی آوردن و گرایش اقتصادی دولت وقت به اتحاد جماهیر شوروی را تلاش ایران برای عادی‌سازی روابط با این کشور با استفاده از عناوینی چون تنش‌زدایی عنوان می‌کنند، حال آنکه بررسی حجم عظیم موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای اقتصادی بین دو کشور از یک سو و نیز صرفه‌بالای اقتصادی که از طریق این همکاری‌ها عاید ایران شد از سوی دیگر، جایگاه و نقش متغیرهای اقتصادی و مالی را هم‌تراز با ملاحظات سیاسی و بلکه بالاتر از آن قرار می‌دهد. مسئله اصلی پژوهش حاضر نیز بررسی همین مدعا است. در اکثر کتب تاریخی، مقالات پژوهشی و حتی خاطرات شخصی برجای مانده از سردمداران رژیم پهلوی، دلیل اصلی روی آوردن و گرایش اقتصادی دولت وقت به اتحاد جماهیر شوروی تلاش ایران برای عادی‌سازی روابط با این کشور با استفاده از عناوینی چون تنش‌زدایی مطرح شده است. حال آنکه بررسی حجم عظیم موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای اقتصادی بین دو کشور از یک سو و صرفه‌بالای اقتصادی که از این همکاری‌ها عاید ایران شد از سوی دیگر، نشان می‌دهد که متغیرهای اقتصادی و مالی در این روابط نقش به‌مراتب مهم‌تری از ملاحظات سیاسی داشته‌اند. روابط اقتصادی ایران و شوروی در دهه ۴۰ شمسی، به‌ویژه در دوران وزارت علی‌نقی عالیخانی، بیشتر از آن که به‌عنوان بخشی از سیاست‌های موازنه مثبت در راستای رقابت‌های سیاسی و جنگ سرد تفسیر شود، در واقع به‌دلیل منافع اقتصادی و صرفه‌های مالی آن برای ایران شکل گرفت. در این دوره، نخبگان اقتصادی ایران، به‌ویژه عالیخانی، با توجه به کمک‌های فنی و اقتصادی شوروی به سایر کشورهای در حال توسعه، و همچنین نیاز ایران به توسعه صنعت داخلی خود، تصمیم گرفتند که

روابط اقتصادی با شوروی را گسترش دهند. این تصمیمات نه تنها به دلیل ملاحظات سیاسی، بلکه به ویژه به دلیل منافع اقتصادی و توسعه صنعتی ایران در این مقطع زمانی اتخاذ شد. در واقع، برخلاف نگاه‌های غالب که بر شرایط جنگ سرد و رقابت‌های سیاسی متمرکز هستند، بررسی روابط ایران و شوروی در این دوران از منظر اقتصادی می‌تواند به‌عنوان یک موضوع بدیع و مهم در تاریخ روابط خارجی ایران مطرح شود که تا حد زیادی در تحلیل‌های پیشین نادیده گرفته شده است. در این راستا، بررسی ابعاد اقتصادی روابط ایران و شوروی، نشان می‌دهد که ایران به‌ویژه در دوره عالیخانی به‌دنبال استفاده از منافع اقتصادی این روابط برای گسترش صنعت خود بوده است. در دهه ۴۰ شمسی، برخی از نخبگان و کنشگران عرصه سیاست و اقتصاد کشور نظیر عالیخانی، از یک سو با مشاهده کمک‌های فنی و اقتصادی شوروی به سایر کشورهای در حال توسعه و از سوی دیگر برای برقراری موازنه مثبت میان شرق و غرب، تصمیم گرفتند تا رابطه با شوروی را گسترده‌تر از پیش، جلو ببرند. در واقع انتخاب شوروی برای این مسئله جدا از مسائل سیاسی، دلایل اقتصادی زیادی نیز داشت و نخبگان ایرانی برای برقراری رابطه با شوروی هم‌تراز با مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی را نیز در نظر گرفته بودند. در اینجا به‌ترتیب انعقاد تفاهمنامه‌ها، به مهم‌ترین قراردادهای منعقد شده مابین دو کشور طی سال‌های تصدی‌گری علینقی عالیخانی بر وزارت اقتصاد پرداخته خواهد شد و در ادامه با بررسی انتقادی آن‌ها این گزاره تکرار شده که تنها محرک طرف ایرانی، ملاحظات سیاسی و امنیتی بوده است به چالش کشیده خواهد شد.

ضرورت و اهمیت پژوهش:

در دهه‌های اخیر، تحلیل روابط اقتصادی ایران و شوروی به‌ویژه در دوره وزارت علی‌نقی عالیخانی در وزارت اقتصاد، بیشتر تحت تأثیر رویکردهای سیاسی و جنگ سرد قرار گرفته است. با این حال، توجه کمی به جنبه‌های اقتصادی این روابط و تأثیرات آن بر صنعت و توسعه اقتصادی ایران شده است. بررسی دقیق‌تر این روابط اقتصادی و توجه به ابعاد اقتصادی آن، به‌ویژه در دوران تصدی‌گری عالیخانی، می‌تواند فهم عمیق‌تری از سیاست‌های اقتصادی ایران در آن دوره ارائه دهد. این پژوهش به‌ویژه از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند یک نگاه جدید و بدیع به تاریخ روابط اقتصادی ایران و شوروی در دهه ۴۰ شمسی فراهم کند و نشان دهد که چگونه منافع اقتصادی، فارغ از سیاست‌های بین‌المللی و جنگ سرد، در این روابط نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده‌اند.

دستاورد های پژوهش:

این پژوهش به‌دنبال اثبات این فرضیه است که روابط اقتصادی ایران و شوروی در دوران وزارت علی‌نقی عالیخانی، علی‌رغم ظاهر سیاسی‌اش، بیشتر بر اساس منافع اقتصادی و صنعتی ایران شکل گرفته است. دستاورد اصلی این پژوهش، بازخوانی دقیق‌تر و شفاف‌تر این روابط از منظر اقتصادی است که می‌تواند فهم ما را از سیاست‌های اقتصادی آن دوران تغییر دهد. همچنین، این تحقیق با

بررسی انتقادی قراردادهای و تفاهم‌نامه‌های اقتصادی بین دو کشور، این گزاره که تنها محرک طرف ایرانی ملاحظات سیاسی و امنیتی بوده است را به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد که چطور ایران از این روابط به‌عنوان ابزاری برای توسعه صنعت و بهبود شرایط اقتصادی خود بهره‌برداری کرده است.

اهداف و سؤالات پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل و بررسی تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی در روابط ایران و شوروی سابق در دهه ۴۰ شمسی است. این پژوهش به‌ویژه به دوران وزارت علی‌نقی عالیخانی در وزارت اقتصاد متمرکز است، زمانی که روابط اقتصادی دو کشور چارچوب رقابت‌های جهانی و تحولات داخلی ایران اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. پژوهش قصد دارد نشان دهد که روابط اقتصادی ایران و شوروی نه تنها تحت تأثیر مسائل سیاسی و امنیتی، بلکه به‌ویژه به‌عنوان عاملی اقتصادی و مستقل، نقش برجسته‌ای در توسعه صنعت ایران و پیشبرد پروژه‌های اقتصادی داشته است. در این تحقیق، توجه به توافق‌نامه‌ها و قراردادهای اقتصادی که در این دوره بین ایران و شوروی منعقد شد، مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا شواهد عینی و ملموسی از تأثیر این روابط بر صنعت و اقتصاد ایران به دست آید. این پژوهش به دنبال آن است که نشان دهد چگونه ایران به‌عنوان کشوری در حال توسعه در دهه ۴۰، با استفاده از فرصت‌های اقتصادی ایجادشده از طریق روابط با شوروی، به‌ویژه در زمینه‌های صنعتی، تلاش کرد تا در راستای توسعه خود گام بردارد. این روابط نه تنها در پاسخ به نیازهای اقتصادی داخلی ایران، بلکه به‌منظور ایجاد موازنه در تعاملات اقتصادی با کشورهای غربی نیز شکل گرفت. سؤال اصلی این پژوهش این است که در دوران وزارت عالیخانی، مؤلفه‌های اقتصادی چه نقشی در روابط ایران و شوروی ایفا کرده‌اند و چگونه این روابط به توسعه صنعت ایران و گسترش تعاملات اقتصادی در آن دوران کمک کرده است؟ در واقع، پژوهش در تلاش است تا نشان دهد که برخلاف تحلیل‌های معمول که روابط ایران و شوروی را بیشتر در قالب رقابت‌های سیاسی و جنگ سرد می‌بینند، تأثیرات اقتصادی و تجاری این روابط نقشی کلیدی در مسیر توسعه اقتصادی ایران ایفا کرده است. هدف نهایی این تحقیق، ارائه روایتی متفاوت از روابط ایران و شوروی در آن دوران است که به اهمیت و تأثیر تصمیمات اقتصادی در شکل‌گیری روابط دوجانبه می‌پردازد و آن را از سایه مسائل امنیتی و سیاسی فراتر می‌برد.

پیشینه پژوهش

از آنجایی که ایران در دوره پهلوی دوم وابستگی زیادی به آمریکا داشت، بیشتر پژوهش‌های مربوط به روابط خارجه ایران حول محور رابطه با آمریکا قرار دارند. به‌همین دلیل روابط ایران با سایر کشورها در پژوهش‌های این دوره تا حد زیادی کم‌رنگ و اندک

است. درباره‌ی عملکرد وزارت اقتصاد در رابطه با همکاری‌ها و انعقاد تفاهم‌نامه‌های صنعتی و اقتصادی با اتحاد جماهیر شوروی در دوران تصدی دکتر علینقی عالیخانی، به‌طور مستقل و اختصاصی هیچ پژوهشی در دست نیست؛ اما می‌توان شمار اندکی از کتب و مقالات تاریخ روابط خارجه ایران و شوروی را یافت که بسیار گذرا به‌عملکرد این دوره در برقراری ارتباط با شوروی اشاره کرده‌اند. تفاوت این کتب و مقالات با پژوهش حاضر در دو مسئله است. بعضی از پژوهش‌های زیر تنها به بررسی روابط ما بین ایران و شوروی بعد از دهه چهل شمسی پرداخته و با ذکر قراردادهای و کمک‌های فنی و اقتصادی شوروی به ایران، رابطه بین دو کشور را تبیین کرده‌اند. از جمله کتب و پژوهش‌هایی که در این گروه قرار می‌گیرند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی نوشته هوشنگ مهدوی (۱۳۹۳) به‌شکلی کاملاً مختصر و لیست‌گونه شرحی از مهمترین قراردادهای صنعتی ایران با دولت شوروی را شرح داده است. در کتب و پژوهش‌های موجود، یکی از مهم‌ترین آثار که به بررسی روابط ایران و شوروی پرداخته، کتاب سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی نوشته هوشنگ مهدوی است که در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. این کتاب، اگرچه در زمینه روابط ایران با شوروی در دوران پهلوی دوم، اطلاعاتی را در قالب تحلیل‌های سیاست خارجی ارائه می‌دهد، اما این اطلاعات عمدتاً به صورت گذرا و در قالب فهرست‌وار به موضوعات مختلف پرداخته‌اند و تأثیرات اقتصادی این روابط را به‌طور مفصل بررسی نکرده‌اند. مهدوی در این کتاب بیشتر به بررسی ابعاد سیاسی و استراتژیک روابط ایران با کشورهای مختلف می‌پردازد و بر جنبه‌های امنیتی و دیپلماتیک روابط ایران با شوروی، به‌ویژه در دوره جنگ سرد، تأکید می‌کند. در این اثر، روابط ایران و شوروی از منظر سیاست خارجی و در قالب موازنه قدرت و مقابله با تهدیدات خارجی تحلیل شده‌اند. کتاب مهدوی به‌طور مختصر به مهم‌ترین قراردادهای اقتصادی و صنعتی میان ایران و شوروی اشاره دارد و برای مثال، قراردادهای صنعتی همچون قرارداد احداث پالایه شگاه آبادان، قراردادهای تولید فولاد و کمک‌های فنی و اقتصادی شوروی در بخش‌هایی از کتاب به‌طور گذرا مطرح شده‌اند. اما مهدوی این قراردادهای و تفاهم‌نامه‌ها را بیشتر به‌عنوان ابزاری در راستای روابط سیاسی ایران و شوروی بررسی کرده و تأثیرات بلندمدت این قراردادهای بر توسعه صنعت ایران را مورد تحلیل قرار نداده است. این کتاب بیشتر به سیر تحول روابط سیاسی و دیپلماتیک دو کشور و تبیین استراتژی‌های ایران در برابر شوروی در خلال جنگ سرد می‌پردازد و از تحلیل‌های اقتصادی و تأثیرات آن‌ها بر ساختار اقتصادی کشور غفلت کرده است. به همین دلیل، پژوهش حاضر قصد دارد تا با پر کردن این خلا، به‌طور دقیق‌تری به تحلیل ابعاد اقتصادی روابط ایران و شوروی در دوره وزارت علی‌نقی عالیخانی بپردازد. در این تحقیق، علاوه بر بررسی قراردادهای و تفاهم‌نامه‌ها، به اثرات اقتصادی آن‌ها بر صنایع کلیدی ایران، مانند صنایع نفت، فولاد و حمل‌ونقل، پرداخته خواهد شد. همچنین، کمک‌های فنی شوروی به ایران و تأثیر آن‌ها بر توانمندسازی بخش‌های مختلف صنعتی و زیرساختی ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی به‌طور مفصل‌تر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این تفاوت‌های کلیدی بین پژوهش مهدوی و پژوهش حاضر در این است که مهدوی بیشتر بر ابعاد سیاسی تأکید دارد، در حالی که این تحقیق بر جنبه‌های اقتصادی روابط ایران و شوروی در همان دوره تمرکز

دارد. همچنین، در حالی که مهدوی به طور گذرا به روابط ایران و شوروی اشاره کرده است، پژوهش حاضر با هدف تحلیل دقیق و عمیق این روابط در بستر تأثیرات اقتصادی آن‌ها، مخصوصاً در دوران تصدی وزارت علی نقی عالیخانی، به موضوع نگاه می‌کند. اشکال اصلی آن این است که اسناد معتبر در آرشیوهای گوناگون ایران به قدر کفایت مورد استفاده قرار نگرفته و عمدتاً با تکیه بر خاطرات و دیگر منابع تدوین شده است. منابعی که اکثراً با دیدی منفی و بدون نقد و بررسی نقادانه بر تمام وجوه مثبت و سرنوشت ساز همکاری اقتصادی با بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی خط بطلان میکشند؛ اما پژوهش حاضر با اتکا بر اسناد درجه اول تدوین شده و نقادانه به تحلیل مهمترین قراردادهای منعقد شده بین ایران و شوروی در دهه چهل شمسی پرداخته است. روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی اثر هرمز خاکپور (۱۳۵۵) از منابع ارزشمندی است که به ذکر موافقت‌نامه و قراردادهایی که مابین دو دولت بسته شده، پرداخته است. کتاب خاکپور از هرگونه تحلیل و بررسی تہی است و تنها به ذکر موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای بسته شده است. یکی دیگر از منابع مهم، پژوهش مهدی کیوان (۱۳۵۸) تحت عنوان ده سال کمک اقتصادی و فنی اتحاد جماهیر شوروی به ایران (۱۳۵۴-۱۳۴۴) در مجله دنیا که نشریه کمیته مرکزی حزب توده ایران بود، چاپ شده است. از نظر کیوان کمک‌های اقتصادی و فنی شوروی به ایران، نقش مهمی در پایه‌گذاری استقلال اقتصادی ایران داشته است. او توجه زیادی به اهمیت اقتصادی ارتباط با شوروی در اثر خود داشته و از این نظر از منابع مهم در این رابطه است.

مقاله بررسی روابط ایران با اتحاد جماهیر شوروی در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰) تعامل یا تقابل؟ اثر حمیدرضا منتظری (۱۳۹۳) به بررسی نحوه روابط دو کشور در طی دوره پهلوی دوم پرداخته است. وی اعتقاد دارد که روابط دو کشور در این دوره بسته به عوامل مختلف گاه حالت تقابلی و گاه حالت تعاملی داشته است. مقاله بررسی روابط ایران با اتحاد جماهیر شوروی در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰): تعامل یا تقابل؟ اثر حمیدرضا منتظری (۱۳۹۳) به بررسی نحوه روابط دو کشور در طی دوره پهلوی دوم پرداخته است. وی اعتقاد دارد که روابط دو کشور در این دوره بسته به عوامل مختلف، گاه حالت تقابلی و گاه حالت تعاملی داشته است. این عوامل شامل مسائل سیاسی، امنیتی، اقتصادی و ایدئولوژیک بوده‌اند. سیاست‌های بین‌المللی در دوران جنگ سرد و رقابت‌های بلوک شرق و غرب تأثیر بسزایی بر روابط ایران و شوروی داشت. ایران که متحد آمریکا محسوب می‌شد، از گسترش نفوذ کمونیسم در منطقه نگران بود و در برخی مقاطع سیاست‌های تقابلی علیه شوروی اتخاذ می‌کرد، در حالی که شوروی نیز به واسطه ملاحظات امنیتی در مرزهای جنوبی، در برخی دوره‌ها روابط محتاطانه‌ای با ایران داشت. باین‌حال، منافع اقتصادی مشترک موجب شد که در دوره وزارت علی‌نقی عالیخانی، ایران که به دنبال صنعتی‌سازی و کاهش وابستگی به غرب بود، قراردادهای اقتصادی و صنعتی متعددی با شوروی منعقد کند. این همکاری‌ها که شامل پروژه‌های زیربنایی، صنعتی و انرژی می‌شد، نشان‌دهنده تمایل ایران به استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی شوروی در جهت توسعه داخلی بود. در عین حال، رقابت‌های ایدئولوژیک نیز بر این روابط تأثیرگذار بودند. حکومت پهلوی به شدت با گروه‌های چپ‌گرا که متأثر از ایدئولوژی کمونیستی بودند، مقابله می‌کرد و سیاست‌های سرکوب‌گرایانه شاه

علیه مارکسیست‌ها و چریک‌های چپ‌گرا، به‌ویژه در دهه ۵۰ شمسی، گاه به تیرگی روابط با شوروی منجر می‌شد. البته این اقدامات بیشتر با انگیزه‌های داخلی انجام می‌شد و نمی‌توان آن را به‌عنوان نشانه‌ای از قطع کامل روابط ایران و شوروی دانست. علاوه بر این، تغییرات در سیاست‌های داخلی هر دو کشور نیز بر مناسبات آن‌ها تأثیرگذار بود. ایران در پی اجرای اصلاحات اقتصادی نیاز به همکاری‌های بین‌المللی داشت و شوروی یکی از گزینه‌های مهم برای تأمین فناوری و تجهیزات موردنیاز ایران به شمار می‌رفت. در سوی دیگر، سیاست‌های کرملین نسبت به خاورمیانه نیز در برخی مقاطع موجب تقویت یا تضعیف روابط دو کشور شد. در مجموع، روابط ایران و شوروی در دوره پهلوی دوم پیچیده و چندبعدی بوده و بسته به شرایط داخلی و بین‌المللی، بین تعامل و تقابل در نوسان بوده است.

تعدادی دیگر از پژوهش‌ها نیز روابط ایران با شوروی در این دوره را در ذیل سیاست‌های اقتصادی پهلوی دوم، بررسی کرده‌اند. کتاب بررسی نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران اثر هادی زنونز (۱۳۸۹) که به بررسی سیتوتحلیل تجربه برنامه‌ریزی در دوره پهلوی دوم پرداخته است. این کتاب با تشریح مفهوم برنامه‌ریزی به شرح پنج برنامه عمرانی پیاده شده در ایران عصر پهلوی پرداخته است و با نگاهی انتقادی بهتو صیف آنچه که بر اقتصاد ایران در این ایام رفت، می‌پردازد. از این بابت این اثر در راستا و ذیل موضوع اصلی پژوهش حاضر قرار ندارد؛ اما با شرح پاره‌ای از قراردادها و تفاهم‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های منعقد شده بین ایران و شوروی به صنایع نوین‌سازی که از این طریق در ایران تأسیس شد، می‌پردازد. کتاب کمک خارجی و توسعه‌نیافتگی اثر همایون الهی (۱۳۸۲) از جمله کتاب‌های معدود درباره مناسبات صنعتی بین ایران و قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان است. این کتاب تاحدودی با موضوع پژوهش حاضر مرتبط است؛ بخصوص در مباحث مربوط به کمک‌های فنی و اقتصادی شوروی به ایران در راه‌اندازی صنایع مدرن. اما متغیر صنعتی‌سازی و اقدامات عالیخانی در آن نمود لندکی دارد. پژوهش بعدی کتاب موج تجدد آمرلنه در ایران: تاریخ برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم؛ به قلم سعید لیلانز (۱۳۹۸) است که بهتو صیف و تحلیل توسعه ایران در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ش. می‌پردازد؛ هفت سال اول مورد بررسی قرار گرفته در این کتاب تا حدی با موضوع این پژوهش در ارتباط است. جهت‌گیری و دید سراسر منفی مؤلف این کتاب بهتو ستاوردهای مهم صنعتی کشور که از طریق همکاری با شوروی عاید ایران شد از کیفیت کار و صدق کلام او کاسته و پژوهش حاضر به اکثر مندرجات این کتاب نقد جدی دارد.

پایان‌نامه روابط اقتصادی ایران و شوروی در دوره پهلوی دوم بر اساس اسناد منتشرنشده مراکز فارسی از کیمیا زارع (۱۳۹۸) نیز از دیگر آثاری است که بخش کوتاهی از فصل چهارم آن با پژوهش حاضر هم‌پوشانی دارد. زارع در اثر خود مولفه‌های سیاسی و مسائل مربوط به نظام بین‌المللی نظیر جنگ سرد را در ارتباط ایران با شوروی اثرگذار می‌داند.

نحوه رفع نواقص در پژوهش حاضر	نواقص و محدودیت‌ها	محور اصلی پژوهش	سال انتشار	نویسنده	عنوان پژوهش
تحلیل دقیق‌تر قراردادهای اقتصادی و صنعتی میان ایران و شوروی و بررسی تأثیرات آن‌ها بر توسعه ایران	اطلاعات محدود و گذرا درباره روابط اقتصادی ایران و شوروی؛ تمرکز بیشتر بر روابط سیاسی و امنیتی	بررسی روابط خارجی ایران با کشورهای مختلف، از جمله شوروی، به صورت کلی	۱۳۹۳	هوشنگ مهدوی	سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی
بررسی کیفی و کمی قراردادهای اقتصادی و تحلیل پیامدهای آن‌ها بر توسعه صنعتی	نبود تحلیل درباره تأثیر این قراردادها بر اقتصاد ایران	ارائه فهرستی از قراردادهای میان ایران و شوروی	۱۳۵۵	هرمز خاکپور	روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی
تحلیل واقع‌بینانه قراردادهای، با در نظر گرفتن فرصت‌ها و چالش‌ها	تمرکز یک‌جانبه بر جنبه‌های مثبت و نبود نگاه انتقادی	تأکید بر نقش کمک‌های اقتصادی شوروی در استقلال اقتصادی ایران	۱۳۵۸	مهدی کیوان	ده سال کمک اقتصادی و فنی اتحاد جماهیر شوروی به ایران
تمرکز بر ابعاد اقتصادی روابط ایران و شوروی و تحلیل اثرات آن‌ها بر توسعه صنعتی	اشاره محدود به عوامل اقتصادی در روابط دو کشور	بررسی روابط ایران و شوروی از جنبه‌های سیاسی و امنیتی	۱۳۹۳	حمیدرضا منتظری	بررسی روابط ایران و شوروی در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷): تعامل یا تقابل؟
تمرکز بر همکاری‌های اقتصادی ایران و شوروی در چارچوب برنامه‌های توسعه اقتصادی ایران	عدم تمرکز خاص بر روابط ایران و شوروی	تحلیل تجربه برنامه‌ریزی اقتصادی در دوره پهلوی دوم	۱۳۸۹	هادی زنوز	بررسی نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران

کمک خارجی و توسعه نیافتگی	همایون الهی	۱۳۸۲	تحلیل کمک‌های خارجی در توسعه اقتصادی ایران	تمرکز کم بر نقش شوروی در صنعتی‌سازی ایران	تحلیل جامع‌تر کمک‌های اقتصادی شوروی و بررسی تأثیرات آن‌ها بر توسعه زیرساخت‌های ایران
موج دوم تجدد آمرانه در ایران: تاریخ برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم	سعید لیلاز	۱۳۹۸	بررسی برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی	رویکرد انتقادی نسبت به همکاری‌های صنعتی با شوروی؛ تحلیل یک‌جانبه	ارائه تحلیلی متوازن از همکاری‌های ایران و شوروی و بررسی مزایا و معایب آن‌ها
پایان‌نامه روابط اقتصادی ایران و شوروی در دوره پهلوی دوم بر اساس اسناد منتشرشده مراکز فارسی	کیمیا زارع	۱۳۹۸	بررسی روابط اقتصادی ایران و شوروی با استفاده از اسناد	تحلیل محدود از قراردادهای اقتصادی و تأثیرات آن‌ها	بررسی جامع‌تر قراردادهای و تأثیرات آن‌ها بر بخش‌های مختلف اقتصادی ایران

ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش (نظریه نخبه‌گرایی)

در روابط ایران و شوروی در دهه ۴۰ شمسی و دوران صدارت عالیخانی، دو مسئله اساسی اهمیت زیادی داشت. اول مسائل بین‌المللی و دوم مسائل اقتصادی. مسئله اول که به تحولات دنیا ارتباط داشت و در حوزه پژوهش حاضر نیست و تنها اشاره‌ای گذرا به آن می‌شود، اما در مسئله دوم رویکرد اقتصادی برخی نخبگان که شور به ویژه عالیخانی حائز اهمیت است. به همین منظور جهت بررسی بهتر ملاحظات نظری پژوهش، براساس نظریه نخبه‌گرایی است. اصطلاح نخبه‌گرایی در دانشنامه سیاسی چنین تعریف شده است: باور به اینکه در هر جامعه یا گروه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جز آن، فرد یا افرادی به سبب توانمندی‌های شخصیه‌شان، برتر از دیگرانند و حق آنهاست که از امتیازهای پیشوایی و رهبری برخوردار باشند. افلاطون، پارتو، موسکا و میخلز تدوین‌کنندگان تئوری‌های نخبه‌گرایی به‌شمار می‌روند. (زونیس، ۱۳۷۰: ۷۲۶) اندیشه نخبه‌گرایی ریشه در دوران یونان باستان و قرون

وسطی دارد. افلاطون از اولین کسانی بود که اعتقاد داشت کسانی که لیاقتی بیشتری دارند خداوند نهاد آن‌ها را به طلا سرشته است و در ادامه می‌گوید که در شهرها فلاسفه باید پادشاه شوند و قدرت گیرند. (افلاطون، ۱۳۷۴: ۲۰۲-۳۰۶) ارسطو هم مهم‌ترین گروهی که توانایی اداره جامعه را دارند، آریستوکرات‌ها دانسته است. (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۸۳۵) بشیریه اما برخلاف این نظرات معتقد است که ماکیاولی برای اولین بار نظریه نخبگانی را مطرح کرده است. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۵) پارتو جامعه‌شناس مشهور قرن بیستم یکی از مهم‌ترین پژوهشگرانی است که در رابطه با نخبگان تحقیقاتی انجام داده است. پارتو به عنوان یک لیبرالیست کلاسیک، اصالت را به فرد اعضای جامعه می‌دهد و در نگاه او، حوزه فردی بر کل اجتماع ارجحیت دارد. با این مقدمه، او در مدخل مربوط به مفهوم «نخبه» بهمخاطب خود گوشزد می‌کند که افراد انسانی از لحاظ اجتماعی، هوشمندی و خصوصیات اخلاقی با هم برابر نیستند و جامعه مجموعه‌ای متجانس نیست، بلکه صورت اجتماع حاصل ترکیب شدن و گرد هم آمدن گروه‌های مختلف انسانی است که هر یک به فراخور موقعیت خود در درجه‌ای از اهمیت و کارآمدی قرار دارند (Femia, ۲۰۰۶: ۱۱۱). پارتو با مطرح کردن تفاوت درجه «شایستگی افراد» در اجتماع، گروه‌های انسانی را بر مبنای این معیار دسته‌بندی کرده تا تنوع و عدم یکدستی بخش‌های مختلف جامعه را بازنمایی کند. (Tonelli and Bousquet, ۱۹۹۴: ۳۵۷) او می‌نویسد: «برخی نظریه‌پردازان می‌توانند هر طور که دلشان خواست درباره موضوع فکر کنند، اما واقعیت امر این است که جامعه انسانی یک ساختار همگون نیست و افراد چه از نظر جسمی و چه از نظر اخلاقی و هوشمندی با یکدیگر تفاوت دارند». (اجلالی، ۱۳۸۹: ۵۶) او نخبه را گروهی شامل افرادی می‌داند که از برجستگی خاص و خصلت‌های برجسته، چون هوش، زیرکی، مهارت و شاید سستی برخوردارند و در زندگی با رقابت‌های مداوم، نمره بسیار بالایی دریافت می‌کنند. بدین ترتیب، گروه نخبه تمام کسانی را شامل است که ویژگی‌های خاص داشته یا دارای استعداد و توانایی‌های عالی در زمینه تخصص خود یا در بعضی فعالیت‌ها باشند. (ازغندی، ۱۳۷۹: ۷۲۶)

در دوره مورد بحث این پژوهش یعنی پهلوی دوم باید اذعان داشت که برخی نخبگان اقتصادی نقش اساسی در پیشرفت کشور داشتند. شاه پهلوی بدون توجه به لزوم شکل‌گیری جامعه مدنی و وجود آزادی‌های مدنی به دنبال توسعه در جامعه بود. در دوره مورد بحث این پژوهش، یعنی دوران پهلوی دوم، باید اذعان داشت که برخی نخبگان اقتصادی نقش اساسی در پیشرفت کشور داشتند. اما در کنار این پیشرفت‌ها، شاه پهلوی توجه کافی به شکل‌گیری جامعه مدنی و تضمین آزادی‌های واقعی نداشت. برعکس، او با اتخاذ سیاست‌هایی که بیشتر به ظاهر آزادی‌های مدنی می‌پرداخت، سعی در حفظ قدرت خود داشت. به عنوان مثال، شاه با علم کردن شخصیت‌هایی چون بختیار و آشی ملی، تلاش می‌کرد تا نشان دهد که در حال انجام اصلاحات و دادن آزادی به مردم است، اما در حقیقت، این اقدامات به منظور جلوگیری از وقوع رویدادهای بزرگ و نهضت‌هایی بود که می‌توانستند تهدیدی برای سلطنت او به شمار آیند. شاه پهلوی با این روش‌ها در تلاش بود تا فضای اجتماعی و سیاسی را کنترل کند و جلوی حرکت‌های مردمی که خواهان تغییرات اساسی بودند را بگیرد. او با دستاویز قرار دادن برخی آزادی‌های فرمایشی، سعی می‌کرد تا از فشارهای اجتماعی و سیاسی

بکاهد، اما این اقدامات در نهایت نتوانست جلوی وقوع انقلاب را بگیرد. در واقع، این سیاست‌ها بیشتر جنبه نمایشی داشت و نتوانست نیازهای واقعی جامعه برای تغییرات اساسی و آزادی‌های واقعی را پاسخ دهد. چنین توسعه اقتدارگرایانه‌ای نیاز به دخالت صریح دولت در امر اقتصاد، کشاورزی، صنعت، آموزش و... است. در این نوع از توسعه نظریات نخبگان حاکم بر جامعه بسیار مهم خواهد بود و این دسته از نخبگان هستند که روند توسعه جامعه را شکل می‌دهند. عالیخانی یکی از همین نخبگان است که تأثیر زیادی بر بهبود روابط با شوروی و گسترش تجارت در این دوره داشت؛ اما خودکامگی و استبداد شاه و خیانت‌های درباری مانع از روند پیشرفت و توسعه شده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی با تکیه بر اسناد درجه اول انجام گرفته است. در این راستا اسناد وزارت امور خارجه ایران در رابطه با روابط صنعتی و اقتصادی با اتحاد جماهیر شوروی در اولویت قرار گرفته و مورد ارزیابی، نقد و بررسی واقع شده‌اند. با توجه به ماهیت تاریخی این مقاله، روش تحقیق مبتنی بر روش تحقیق تاریخی است. به این معنا که داده‌ها از طریق روش کتابخانه‌ای و با بررسی منابع دست اول و مطالعاتی جمع‌آوری شده‌اند. این منابع شامل اسناد، گزارش‌ها، مقالات و منابع تاریخی معتبر هستند که به‌طور مستقیم به موضوع پژوهش مربوط می‌شوند. سپس، در مرحله تجزیه و تحلیل، داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس تبیین تاریخی پردازش می‌شوند و در قالبی روایت‌مند به صورت منطقی و ساختارمند ارائه می‌گردند. این فرآیند به پژوهش کمک می‌کند تا نه تنها به درک بهتری از تحولات تاریخی دست یابد، بلکه بتواند ارتباطات و تأثیرات مختلف آن تحولات را به‌صورت دقیق و منسجم بیان کند.

یافته‌های پژوهش

ارتباط با شوروی در فضای موازنه مثبت در خلال رقابت‌های شدید میان ابرقدرت‌های دوران جنگ سرد، روابط ایران با بلوک‌های شرق و غرب تحت تأثیر قرار گرفت. در این زمان، آمریکا به‌عنوان یکی از هم‌پیمانان اصلی ایران در صحنه جهانی به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی حضور پررنگی داشت. این وضعیت منجر به نگرانی و اعتراضاتی از سوی شوروی به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ شرق گردید، زیرا دولت شوروی از نفوذ روزافزون ایالات متحده در ایران و عدم تمایل تهران به ایجاد روابط نزدیک‌تر با شوروی رنجیده بود. بر اساس گزارش ساواک، یکی از کارمندان وزارت دربار شاهنشاهی در اظهارات خود به مسائل مربوط به سیاست خارجی ایران اشاره کرده بود. در این گزارش به‌طور مشخص آمده است که دولت شوروی به شدت از عدم امضای قرارداد

همکاری با ایران نارا ضی بوده و دلیل اصلی این نارضایتی را نفوذ روزافزون آمریکا در ایران ذکر کرده است. به گفته این کارمند، شوروی از عدم تمایل ایران برای همکاری با کشورهای کمونیستی و از جمله اتحاد جماهیر شوروی به ویژه در زمینه های اقتصادی، صنعتی و نظامی نگران بود. این نارضایتی به ویژه به دلیل آن بود که ایران نه تنها از پذیرش پیشنهادهای شوروی در جهت امضای قراردادهای تجاری و اقتصادی با این کشور اجتناب کرده بود، بلکه همچنان در دام نفوذ سیاسی و اقتصادی ایالات متحده گرفتار بود. در آن دوران، ایران به دلیل حمایت های مالی و نظامی ایالات متحده، سیاست های غرب گرایانه ای را دنبال می کرد که به روابط آن با شوروی آسیب می رساند. به ویژه پس از وقوع بحران های مختلف بین المللی، از جمله بحران کانال سوئز و بحران های هسته ای، ایران به عنوان یک متحد استراتژیک برای ایالات متحده اهمیت زیادی پیدا کرده بود، که موجب شد شوروی احساس کند منافع آن در ایران به خطر افتاده است. گزارش ساواک همچنین به طور خاص اشاره کرده است که دولت شوروی با نگرانی به روابط ایران و آمریکا نگاه می کرد و تمایل داشت تا ایران را به سوی انعقاد قراردادهای اقتصادی و سیاسی با کشورهای بلوک شرق سوق دهد. شوروی به دنبال این بود که روابط اقتصادی و تجاری خود را با ایران گسترش دهد تا از این طریق بتواند نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد و در مقابل نفوذ ایالات متحده در ایران، از موقعیت اقتصادی و سیاسی خود بهره برداری کند. با این حال، مقامات ایران به ویژه در وزارت دیپار شانه شاهی ترجیح دادند تا سیاست خارجی خود را در جهت تقویت روابط با آمریکا و غرب هدایت کنند و از این رو تمایلی به همکاری نزدیک تر با شوروی نشان ندادند.

این گزارش همچنین نشان می دهد که نگرانی های شوروی از افزایش نفوذ آمریکا در ایران تنها محدود به مسائل اقتصادی نبود، بلکه در حوزه های نظامی و سیاسی نیز به دنبال تقویت موقعیت خود بود. در این راستا، شوروی تمایل داشت تا ایران را به امضای قراردادهایی برای همکاری های نظامی و استراتژیک با خود ترغیب کند که این امر به نفع ایران در راستای موازنه قدرت با ایالات متحده می بود. اما ایران در آن زمان به دلیل روابط استراتژیک خود با غرب و به ویژه ایالات متحده، از این پیشنهادهای اجتناب می کرد. اسناد ساواک در این زمینه به ویژه با ارجاع به گزارشات داخلی، تصریح می کنند که ایران در آن دوران در موقعیت حساسی قرار داشت که بین دو بلوک بزرگ قدرت یعنی شرق و غرب در حال انتخاب مسیر خود بود (شماره بازبانی: ۰۰۲۴۵۱۴۲-۰۰۲۴۵۱۴۳، اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی).

در سال ۱۳۴۶، ایران در چارچوب سیاست ایجاد موازنه میان قدرت های جهانی، اقدام به انعقاد قراردادهایی برای خرید تجهیزات نظامی از اتحاد جماهیر شوروی کرد. این قراردادها در شرایطی به امضا رسید که ایران به عنوان یکی از متحدان استراتژیک ایالات متحده، عمده تسلیحات خود را از کشورهای غربی، به ویژه آمریکا و بریتانیا، تأمین می کرد. با این حال، برای کاهش وابستگی به غرب و افزایش گزینه های تسلیحاتی، ایران تصمیم گرفت از ظرفیت های شوروی نیز بهره برد.

بر اساس اسناد موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، قراردادهای منعقد شده میان ایران و شوروی شامل خرید ادوات زرهی، سامانه‌های راداری و برخی تجهیزات پدافندی بود که ایران آن‌ها را برای تقویت بنیه دفاعی خود به کار گرفت (شماره بازیابی: ۳۱۲۶۰۱۱۲، ۳۱۲۶۰۱۱۳، ۳۱۲۶۰۱۱۴). این قراردادها بخشی از استراتژی کلان دولت پهلوی برای ایجاد تعادل در روابط بین‌المللی و بهره‌گیری از رقابت دو ابرقدرت دوران جنگ سرد محسوب می‌شد. در سطح داخلی، این تصمیم با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد. برخی از نخبگان سیاسی و نظامی که به شدت به همکاری با آمریکا پایبند بودند، نسبت به این توافقات ابراز نگرانی کردند. با این حال، برخی دیگر از تصمیم‌گیران اقتصادی و نظامی ایران، از جمله علینقی عالیخانی، وزیر وقت اقتصاد، این قراردادها را گامی ضروری در جهت تقویت توان دفاعی و صنعتی کشور می‌دانستند.

علاوه بر جنبه‌های نظامی، این قراردادها تأثیرات گسترده‌تری در زمینه‌های اقتصادی و صنعتی داشتند. گسترش روابط تجاری با شوروی باعث شد همکاری‌های بیشتری در حوزه‌های حمل‌ونقل، زیرساخت‌ها و حتی کشاورزی شکل بگیرد. به عنوان مثال، یکی از بندهای این توافقات شامل انتقال دانش فنی از شوروی به ایران در برخی حوزه‌های صنعتی و کشاورزی بود که به‌ویژه در سال‌های بعد از آن مورد استفاده قرار گرفت (شماره بازیابی: ۳۱۲۶۰۱۱۲، ۳۱۲۶۰۱۱۳، ۳۱۲۶۰۱۱۴، مرکز اسناد انقلاب اسلامی) در مجموع، خرید تجهیزات نظامی از شوروی در سال ۱۳۴۶، علاوه بر افزایش توان دفاعی کشور، بخشی از استراتژی دیپلماتیک ایران برای کسب امتیازات بیشتر از هر دو بلوک شرق و غرب بود. این قراردادها به ایران این امکان را می‌داد که در مذاکرات خود با کشورهای غربی، موقعیت برتری داشته باشد و در عین حال، روابط اقتصادی خود را با یکی از قدرتمندترین کشورهای صنعتی آن دوران گسترش دهد.

تفاهم‌ها و قراردادهای کشاورزی

در تاریخ پنجم مرداد ماه ۱۳۴۲ش. با نظارت عالیخانی بعنوان وزیر اقتصاد اولین قرارداد همکاری فنی-اقتصادی بین ایران و شوروی مشتمل بر مفاد زیر منعقد شد: احداث دو سد با قابلیت تولید برق آبی (هیدروالکتریک) بر روی رودخانه ارس و منطقه ا صلاندوز آذربایجان (آر شیوا اسناد وزارت امور خارجه: ۱۳۴۵ش، کارتن ۱۳۳، پرونده ۵۰۶) که امکان بهزیر کشت بردن حداقل ۱۲۰ هزار هکتار زمین کشاورزی را در مناطق شمال غربی ایران مهیا می‌نمود. ضمن امضای موافقت‌نامه‌های تحت عنوان پروتکل بهره‌برداری مشترک و دائمی دو کشور از منابع رودخانه ارس به منظور استفاده مشترک از تاسیسات سد های ارس، میل و مغان در امر کشاورزی و نیز استفاده مشترک از انرژی تولیدی نیروگاه های برق-آبی ارس این توافقات جنبه قانونی و حقوقی می‌یافت. (خاکپور: ۱۳۵۵، ۳۶) علاوه بر تامین آب مورد نیاز کشاورزی این مناطق هر کدام از این سدها دارای نیروگاه‌های تولید برق آبی بودند که با ظرفیت ۲۲ هزار کیلو وات ساعت، به مدار شبکه برق سراسری کشور متصل می‌شدند. علاوه بر سد ارس، در منطقه گردیز - ا صلاندوز سد دیگری احداث شد که البته فاقد نیروگاه تولید برق آبی بود؛ اما امکان آبیاری مکانیزه حدود ۱۲۰ هزار هکتار زمین را

فراهم می‌آورد (همان ۲۵) کارشناسان فنی شوروی در احداث تاسیسات این سد به همکاران ایرانی خود مشاوره فنی داده و همکاری موثری داشتند (آر شیوا اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۴۵: کارتن ۱۳۳، پرونده ۵.۶) با احداث این دو سد، اولین گام‌های دولت ایران برای مکانیزه کردن کشاورزی و مدرن سازی شیوه آبیاری مزارع کشاورزی برداشته شد و از این مقطع به بعد در سرتاسر دشت‌ها و مناطق مستعد کشاورزی دیگر ایران در دو دهه ۴۰ و ۵۰ خورشیدی از این الگوی موفق پیروی گردید. (ایرانی، ۱۳۷۰: ۳۸)

قراردادهای صنعتی

در حقیقت از اولین روزهای پس از جنگ جهانی دوم، مسأله ایجاد صنایع ذوب‌آهن در ایران به‌مثابه خواست تمامی طبقات و اقشار مختلف ایران مطرح شده بود. ساخت ذوب‌آهن تبدیل به یک آرزوی ملی در اذهان مردم باقی مانده بود. (ازغندی، ۱۳۷۶: ۲۹۷-۲۹۹) و سرانجام با تدبیر عالی‌خانی و تیم اقتصادی او و همراهی اتحاد جماهیر شوروی این آرزوی دیرینه محقق شد. ایران در راستای تقویت زیرساخت‌های صنعتی و شهری خود، تصمیم به خرید ماشین‌آلات صنعتی از اتحاد جماهیر شوروی گرفت. این اقدام به‌ویژه در چارچوب برنامه‌های توسعه شهری و بهبود وضعیت خدمات عمومی در شهرهای بزرگ انجام شد. با توجه به نیاز روزافزون ایران به مدرن سازی و نو سازی تجهیزات عمرانی و صنعتی، خرید ماشین‌آلات از شوروی به‌عنوان یک راه‌حل استراتژیک برای تکمیل این برنامه‌ها در نظر گرفته شد. طبق اسناد موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در این سال، قراردادهای متعددی برای خرید ماشین‌آلات صنعتی شامل تجهیزات سنگین راه‌سازی، کامیون‌ها، تجهیزات عمرانی و ابزارهای دیگر مورد نیاز شهرداری‌ها و بخش‌های مختلف صنعتی کشور منعقد شد. این خریدها عمدتاً به‌منظور بهبود وضعیت زیرساخت‌ها، ساخت جاده‌ها، توسعه حمل‌ونقل عمومی، و تقویت توان عملیاتی شهرداری‌ها برای اجرای پروژه‌های مختلف شهری بوده است. در این دوران، ایران نیاز شدیدی به بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و عمرانی داشت که این ماشین‌آلات صنعتی شوروی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی این تحول در نظر گرفته شدند (شماره بازیابی: ۵۴۴۴۰۰۰۰۴۱، ۵۴۴۴۰۰۰۰۲۰، ۵۴۴۴۰۰۰۰۲۱، ۵۴۴۴۰۰۰۰۲۲، ۵۴۴۴۰۰۰۰۲۳، ۵۴۴۴۰۰۰۰۲۴، ۵۴۴۴۰۰۰۰۲۵، ۵۴۴۴۰۰۰۰۲۶، ۵۴۴۴۰۰۰۰۲۷، مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

اما نکته جالب‌توجه این بود که قراردادهای خرید ماشین‌آلات صنعتی از شوروی تنها به خرید تجهیزات محدود نمی‌شد، بلکه ایران در قالب این توافقات به دنبال انتقال تکنولوژی و آموزش نیروهای انسانی خود نیز بود. یکی از بخش‌های کلیدی این قراردادها، ارسال تکنسین‌ها و مهندسان ایرانی به شوروی برای گذراندن دوره‌های آموزشی و تخصصی در زمینه استفاده از این تجهیزات پیشرفته بود. این آموزش‌ها به‌ویژه در زمینه تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات، آموزش‌های فنی در حوزه کاربری ابزارهای مختلف و سیستم‌های مکانیکی پیشرفته ارائه شد. این امر به ایران این امکان را می‌داد که علاوه بر بهره‌برداری از این ماشین‌آلات، به‌طور مستقل به تعمیر و نگهداری آن‌ها نیز پرداخته و از وابستگی به کشورهای خارجی دیگر برای تأمین قطعات یدکی و خدمات فنی بکاهد. به‌طور کلی،

خرید ماشین آلات صنعتی از شوروی به‌ویژه در زمینه‌های راه‌سازی و عمرانی، موجب شد که ایران گام‌های بلندی در راستای توسعه زیرساخت‌های شهری خود بردارد. این قراردادها نه تنها موجب تقویت صنعت حمل‌ونقل و عمرانی کشور شد، بلکه زمینه‌ساز انتقال دانش فنی و تکنولوژی به داخل ایران نیز گردید. این موضوع به‌ویژه برای کشورهایی که به دنبال توسعه سریع صنعتی و اقتصادی هستند، امری حیاتی به شمار می‌آید. در این خصوص، ایران در کنار گسترش روابط خود با کشورهای غربی، تلاش داشت تا با تنوع‌بخشی به منابع تأمین تجهیزات و تکنولوژی، خود را از هرگونه وابستگی یک‌جانبه به یک کشور خاص دور نگه دارد. در ادامه، قراردادهای خرید ماشین‌آلات صنعتی از شوروی نه تنها به‌عنوان یک اقدام اقتصادی، بلکه به‌عنوان یک انتخاب استراتژیک در سیاست خارجی ایران تلقی می‌شد. در آن زمان، ایران به‌طور ویژه به دنبال گسترش روابط اقتصادی و سیاسی خود با کشورهای بلوک شرق بود. این خریدها به‌عنوان یک نماد از تلاش ایران برای حفظ موازنه در روابط بین‌المللی و بهره‌برداری از رقابت‌های دو ابرقدرت جهانی آن دوران (آمریکا و شوروی) ارزیابی می‌شود. در نهایت، نتایج این قراردادها تنها به بهبود زیرساخت‌های شهری و صنعتی محدود نشد، بلکه باعث تقویت ارتباطات فنی و علمی بین ایران و شوروی شد. این همکاری‌های گسترده در زمینه آموزش نیروی انسانی و انتقال تکنولوژی، ایران را قادر ساخت که نه تنها از ماشین‌آلات خریداری شده به‌طور مؤثر بهره‌برداری کند، بلکه از این تجربه به‌عنوان یک پله برای توسعه بیشتر صنایع داخلی و افزایش استقلال فنی و صنعتی استفاده کند. در سال ۱۳۴۳، شرکت ریسندگی و بافندگی پشم اصفهان، به مدیریت مهدی اشرافی، قراردادی را با نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی در ایران به امضاء رساند. این قرارداد، که در نوع خود یکی از مهم‌ترین توافقات تجاری میان ایران و شوروی در آن دوران محسوب می‌شود، بر اساس نیازهای خاص صنعتی ایران و به‌ویژه در زمینه صنعت نساجی و ریسندگی، تنظیم و به مرحله اجرایی درآمد.

بر اساس اسناد موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، قرارداد مذکور شامل مجموعه‌ای از توافقات تجاری و مالی میان طرفین بود که عمدتاً در زمینه تأمین ماشین‌آلات و مواد اولیه صنعتی از شوروی به ایران برای شرکت ریسندگی و بافندگی پشم اصفهان متمرکز بود. در این قرارداد، شروط مختلفی برای تأمین مالی، حمل‌ونقل و فراهم کردن تسهیلات مالی و تجاری برای طرفین در نظر گرفته شد. یکی از نکات جالب‌توجه در این قرارداد، تضمین پرداخت تمامی هزینه‌ها و مخارج مرتبط با سفر و اقامت نمایندگان شوروی در ایران بود. به‌ویژه اینکه مطابق با اسناد، تمامی هزینه‌های مربوط به مسکن، مهمان‌خانه‌ها و مالیات‌ها - از جمله مالیات بر کار و حقوق افراد نماینده شوروی - از سوی وزارت دارایی ایران تأمین و حل و فصل می‌شد (شماره بازایی: ۵۴۴۴۰۰۰۴۱، مرکز اسناد انقلاب اسلامی). این توافقات به‌طور خاص شامل آقایان کلیموف، استاروستین و چکماریوف، که از نمایندگان اصلی بازرگانی شوروی در ایران بودند، می‌شد. تمامی هزینه‌های اقامت، زندگی و فعالیت‌های اداری این افراد در ایران به صورت مستقیم از بودجه‌های دولتی ایران تأمین می‌شد. این امر نه تنها تأکید بر همکاری نزدیک میان ایران و شوروی داشت، بلکه نوعی امتیاز ویژه به نمایندگان شوروی از سوی دولت ایران محسوب می‌شد.

این قرارداد در واقع به‌عنوان یک گام استراتژیک در راستای تقویت روابط اقتصادی ایران با شوروی در زمینه صنعت نساجی و تأمین مواد اولیه برای آن محسوب می‌شد. صنعت نساجی ایران در آن دوران نیازمند تکنولوژی و ماشین‌آلات پیشرفته برای بهبود تولیدات خود بود و شوروی به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در این صنعت، می‌توانست تأمین‌کننده این نیازها باشد. از سوی دیگر، ایران نیز به‌دنبال گسترش تنوع در منابع تأمین مواد اولیه و بهبود کیفیت تولیدات داخلی خود بود. این قرارداد، علاوه بر جنبه‌های تجاری، نشان‌دهنده عمق روابط اقتصادی و دیپلماتیک میان ایران و شوروی در آن دوران است. ایران به‌ویژه در دوران پهلوی دوم تلاش داشت با گسترش روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای مختلف، به‌ویژه در دوران جنگ سرد، از موقعیت‌های رقابتی به نفع خود بهره‌برداری کند. قرارداد ریسندگی و بافندگی پشم اصفهان، نمونه‌ای از این نوع تعاملات است که علاوه بر ابعاد اقتصادی، بر جنبه‌های سیاسی و استراتژیک نیز تأثیرگذار بود. در نهایت، این قرارداد و شرایط حاکم بر آن نشان‌دهنده تلاش ایران برای تقویت و توسعه بخش‌های صنعتی داخلی خود، به‌ویژه در بخش‌های مربوط به نساجی، و بهره‌برداری از منابع مختلف خارجی برای رفع نیازهای صنعتی و تجاری کشور در آن دوران بود. همچنین، این قرارداد بخشی از استراتژی ایران در مدیریت روابط اقتصادی خود با شوروی و کشورهای بلوک شرق محسوب می‌شد که در آن دوره به‌ویژه در بخش‌های صنعتی و تولیدی اهمیت ویژه‌ای داشت. قبل از انعقاد قرارداد خرید کارخانه ذوب‌آهن از شوروی، ایران در ابتدا و قبل از هر کشور دیگری از ایالات متحده آمریکا درخواست خرید کرد. هدف نهایی خرید یک کارخانه ذوب‌آهن به همراه انتقال دانش فنی لازم و تأمین تکنسین‌های مجرب در این حوزه بود؛ اما پاماریکایی‌ها به این درخواست منفی بود. (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: ۱۳۴۵ش، کارتن ۸، پرونده ۵) علاوه بر آمریکایی‌ها، کشورهای دیگر بلوک غرب چون بریتانیا، آلمان غربی (فدرال) و فرانسه هم از قبول درخواست ایران سرباز زدند. (تهران اکونومیست، سال ۱۳، ش ۶۱۸، ۱۸/۱۰/۱۳۴۴: ۱۲) بهانه‌هایی که کشورهای اروپایی برای رد درخواست ایران می‌آوردند بیشتر شامل ایرادات فنی ساخت کارخانه بود، دلایلی نظیر فقدان سنگ آهن مرغوب و زغال سنگ فشرده که با توجه به ذخایر عظیم سنگ آهن و زغال سنگ ایران، دلایلی واهی و بی‌اساس بودند. گزارش کارشناسان ایرانی که از سمت وزارت وقت اقتصاد مأمور به تحقیق و تفحص وضعیت معادن ایران شده بودند به‌خوبی اثبات می‌کرد که معادن زغال سنگ کرمان با ذخایری به میزان یک میلیارد تن، معادن زغال‌خیز البرز با ذخایری ۲۵۰ میلیون تنی، معادن خراسان با ۲۳۰ میلیون تن ذخیره قطعی زغال سنگ و ذخایر سرشار سنگ آهن ناحیه بافق (معدن چغارت) با ذخیره ۷۰۰ میلیون تنی، دارای توان تأمین مواد اولیه بسیار بیشتر از نیاز یک کارخانه ذوب‌آهن بودند؛ (فرودی، ۱۳۵۳: ۱۱۹) اما دلیل آمریکایی‌ها برای رد درخواست، علاوه بر دلایل فنی و به‌زعم خودشان عدم وجود زیرساخت‌های لازم بیشتر جنبه سیاسی داشت و آنها نگران تبعات سیاسی و اجتماعی آن بر رژیم ناپایدار ایران بودند و نظرات منفی خود را طی نامه‌ای به‌اطلاع دولت ایران رساندند. (جعفر پور، ۱۳۹۶: ۲۸) با توجه به این کارشکنی‌های فنی آنچه که برای دولت و عالی‌رانی واضح بود، عدم تمایل دولت‌های اروپایی برای از دست‌دادن بازار صنایع سنگین رو به‌گسترش ایران بود که در صورت تأسیس یک کارخانه ذوب‌آهن، تا حد زیادی از

دست می‌رفت. (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: ۱۳۵۱ش، کارتن ۳۳۴، پرونده ۶۰۸۹) براساس اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شوروی در واقع یکی از تأمین‌کنندگان اصلی تکنولوژی و ماشین‌آلات برای این پروژه صنعتی در ایران بود. یکی از جنبه‌های مهم کمک‌های شوروی، ارائه تسهیلات فنی و تجهیزاتی بود که ایران قادر به تأمین آن از سایر منابع نبود. علاوه بر این، شوروی در این پروژه با اعزام کارشناسان و مهندسان متخصص، به انتقال دانش فنی در حوزه‌های مختلف ذوب‌آهن، فولاد و سایر صنایع سنگین پرداخت. از این رو، این همکاری به‌عنوان یک گام مؤثر در فرآیند صنعتی سازی ایران به‌شمار می‌آید (شماره بازیابی: ۱۱۲۵۰۰۸۷، اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی) در این زمینه، برخی از گزارشات رسانه‌های بین‌المللی از جمله واشنگتن پست و نیویورک تایمز به این موضوع اشاره کرده‌اند که شوروی در احداث کارخانه ذوب‌آهن اصفهان نقش عمده‌ای ایفا کرده است. گزارشات منتشر شده در این رسانه‌ها نشان می‌دهد که این همکاری نه تنها به‌عنوان یک توافق اقتصادی میان ایران و شوروی بود، بلکه به‌طور خاص در آن دوران، به‌عنوان نمادی از گسترش روابط اقتصادی و تجاری میان دو کشور محسوب می‌شد. به‌ویژه در روزنامه واشنگتن پست، تیتراژ شده شد: "روسیه کارخانه ذوب‌آهن اصفهان را می‌سازد"، که به وضوح اهمیت همکاری‌های شوروی در این پروژه را تأکید می‌کند. این گزارشات به‌ویژه در دوران جنگ سرد که رقابت‌های ابرقدرت‌ها در ابعاد مختلف اقتصادی و صنعتی شدت یافته بود، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها یافت.

کمک‌های شوروی به ایران در این پروژه از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت بود. شوروی نه تنها در تأمین ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی، بلکه در تأمین تسهیلات آموزشی برای نیروهای انسانی ایرانی نیز نقش داشت. کارشناسان و مهندسان ایرانی برای کسب مهارت‌های فنی لازم به شوروی اعزام شدند تا تجربه‌های گسترده این کشور در صنعت فولاد و ذوب‌آهن را یاد بگیرند. این آموزش‌ها و انتقال دانش فنی یکی از جنبه‌های حیاتی همکاری ایران و شوروی در این پروژه به‌شمار می‌رفت. از سوی دیگر، احداث کارخانه ذوب‌آهن اصفهان با کمک شوروی، به‌عنوان یک گام استراتژیک در راستای تقویت ظرفیت‌های صنعتی ایران به‌ویژه در تولید فولاد و فلزات سنگین، مورد توجه قرار گرفت. در آن زمان، ایران به شدت نیازمند تقویت زیرساخت‌های صنعتی خود بود تا وابستگی به واردات فولاد و محصولات فلزی را کاهش دهد. این پروژه می‌توانست به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در بهبود تولیدات داخلی و کاهش وابستگی به خارجی‌ها عمل کند.

این پروژه همچنین نشان‌دهنده یک استراتژی صنعتی بزرگ در ایران بود که هدف آن تقویت بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله ساخت و ساز، صنایع سنگین، و تولید محصولات فلزی بود. کارخانه ذوب‌آهن اصفهان پس از راه‌اندازی توانست به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فولاد در ایران عمل کند و تأثیر قابل‌توجهی بر رشد اقتصادی کشور در سال‌های بعد داشت. در نهایت، این همکاری میان ایران و شوروی در زمینه ساخت کارخانه ذوب‌آهن، از لحاظ سیاسی نیز حائز اهمیت بود. در آن دوران، ایران به‌ویژه در

دوره پهلوی دوم تلاش داشت تا روابط خود را با کشورهای مختلف بلوک شرق و غرب تقویت کند. این همکاری با شوروی در زمینه صنعت فولاد، نمونه‌ای از تعاملات اقتصادی ایران با کشورهای بلوک شرق در آن دوران است.

علاوه بر استمداد از بلوک غرب و متحدین سستی ایالات متحده چون آلمان فدرال و انگلستان، ایران در اقدامی که بهندرت در منابع تحقیقی و پژوهشی از آن یاد می‌شود از ژاپن نیز تقاضای ساخت یک کارخانه ذوب‌آهن و انتقال فناوری کرد که مشروح این تقاضا را از متن گزارش سفیر وقت ایران در ژاپن را به دلیل اهمیت آن به اختصار و عینا نقل می‌شود: اخیراً چند شرکت مهم فنی ژاپن از جمله شرکت معروف میتسوبیشی با تشویق دولت ژاپن درصدد برآمده‌اند درباره کمک مالی و فنی ژاپن به ایران برای ایجاد کارخانه ذوب‌آهن طرح‌هایی تهیه نمایند... خلاصه طرحی که ژاپنی‌ها در نظر داشتند این بود که چون معادن آهنی که در بافق پیدا شده از جهت مواد آهنی بسیار غنی است و از طرف دیگر لوله‌گاز به شیراز آمده و بهعوض زغال سنگ برای ذوب‌آهن چنانکه اخیراً متداول شده می‌توان از گاز استفاده نمود، به صرفه و صلاح نزدیک‌تر است که کارخانه در حدود شیراز و تخت جمشید تاسیس شده و به وسیله راه‌آهن که خواهند ساخت و بعداً به دولت ایران مجاناً واگذار خواهند کرد و به معدن بافق متصل گردد. (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: ۱۳۴۲ش کارت‌ن ۱۳۹ پرونده ۲) نکته جالب توجه در پیشنهادهای طرف ژاپنی برای احداث یک کارخانه ذوب‌آهن نه تنها هیچ یک از بهانه‌تراشی‌ها و ذکر علل فنی دلسردکننده چون عدم کفایت معادن آهن یا زغال‌سنگ ایران و یا فقدان سایر زیرساخت‌های لازم مشاهده نمی‌شود بلکه با پیشنهاد استفاده از گاز طبیعی به جای سوزاندن زغال سنگ برای تامین انرژی مورد نیاز کارخانه ذوب فولاد در واقع یکی از موانع بزرگ در راه ساختمان این کارخانه را نیز بر طرف می‌نمودند. اما به دلایلی که روشن نیست، در نهایت ژاپنی‌ها نیز از انعقاد قرارداد و ساخت کارخانه منصرف شدند. این کارشکنی‌ها و دست‌برد به سینه‌زدن‌های متحدین غربی برای وزیر جوان و مبتکر اقتصاد ایران قابل پذیرش نبود. او و دولت ایران که از همراهی غرب ناامید شده بودند، این بار دست‌کمک به سمت اتحاد جماهیر شوروی دراز و از مسکو طلب مساعدت و کمک کردند. به‌رغم مخالفت ایالات متحده آمریکا، علی‌بنقی عالیخانی در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۴۴ش. موافقت‌نامه مقدماتی تا سیس یک واحد ذوب‌آهن مدرن را در نزدیکی اصفهان امضا کرد. (لاجوردی، ۱۳۸۴: ۱۱۷) سازمان ذوب‌آهن ایران از مدت‌ها قبل طرح یک کارخانه تولید نورد به ظرفیت ۲۵۰ هزار تن را تهیه و محل استخراج مواد اولیه را تشریح نموده بود. (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: ۱۳۴۱ش، کارت‌ن ۹۲، پرونده ۱.۵.۱) ریاست هیئت اعزامی اتحاد جماهیر شوروی با کولیوف معاون رئیس کمیته دولتی روابط اقتصادی حزب کمونیست بود که مذاکرات خود را با هیئت ایرانی به ریاست علی‌بنقی عالیخانی شروع کرد. به دلیل حساسیت بالای موضوع برای کشور، شخص وزیر اقتصاد در ریاست هیئت مذاکره‌کننده ایران قرار داشت. این گفتگوهای فشرده قریب به یک ماه به طول انجامید و در نهایت در موافقت‌نامه‌ای با حضور امیرعباس هویدا و زایتسف سفیر شوروی به امضا دو کشور رسید. (طاهر احمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۵)

این کارخانه از لحاظ مختصات فنی و فناوری‌های به کار رفته در ردیف مدرن‌ترین و با صرفه‌ترین مجتمع‌های ذوب‌آهن جهان قرار داشت. (کیوان، ۱۳۵۸: ۱۴) شوروی پیش از ایران در کشور هند نیز کارخانه‌ای مشابه تأسیس کرده بودند که تجربه هندی‌ها در انتخاب شوروی برای ایران بسیار مهم بود. عالیخانی در خاطرات خود توجه هیئت حاکمه وقت ایران به تجربه هندی‌ها در ساخت کارخانه ذوب‌آهن و امکان استفاده از دانش کشور هندوستان در این مورد را چنین نقل می‌کند: ما البته می‌خواستیم از شوروی ذوب‌آهن بخریم، که همین کار را کردیم و هندی‌ها در آموزش نیروی انسانی لازم در کنار روس‌ها به ما کمک کردند. {عالیخانی، ۱۳۹۳: ۴۴۳} شوروی حتی قول تحویل زودتر از موعد این کارخانه را در صورتی که ایران ظرف یک سالونیم بتواند راه آهن اصفهان به کرمان را دارای کانی‌های غنی زغال سنگ کک شو بود، متصل سازد داد. (کیهان، سال ۲۳، ش ۶۷۲۲، ۱۳۴۴/۱۰/۹) با توجه به ضرب‌الاجل روس‌ها خط آهن کاشان-اصفهان-یزد-کرمان به سرعت تجهیز شد تا سالانه در حدود ۴ میلیون تن مواد خام از قبیل سنگ‌آهن و زغال سنگ را به کارخانه ذوب‌آهن و حدود ۲ میلیون تن تولیدات فولادی کارخانه را حمل نماید و این خط آهن تا قبل از تأسیس کارخانه تا سیس شد که در نوع خود از لحاظ طول مدت انجام پروژه یک رکورد بود. (فرودی، ۱۳۵۳: ۱۶۵) از جمله نقاط قوت دیگر این موافقت‌نامه تضمین حضور فن‌سالاران و تکنسین‌های روس در امر آموزش مهندسين و کارگران ایرانی بود. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۷۲) در همین راستا ظرف مدت ۵ سال، حدود ۴ مرکز آموزشی برای کارگران ایرانی کارخانه ذوب فولاد اصفهان تأسیس و قریب به ۸ هزار نفر متخصص در رشته‌های گوناگون از کارگر گرفته تا سر مهندس ارشد، تربیت و فارغ‌التحصیل شدند. دو مرکز "آموزشگاه متالوژی تهران" و "آموزشگاه معدنی کرمان" از شاخص‌ترین مراکز تربیت فنی و حرفه‌ای ذوب‌آهن در ایران بودند. علاوه بر آموزش در خاک ایران، حدود ۱۰۰۰ نفر کارآموز ایرانی نیز در سطوح مهندسی و کارگر فنی به شوروی و نیز به هندوستان جهت کارآموزی اعزام شدند، به علاوه ۱۷۲ نفر برای کارآموزی در رشته‌های نورد، ریخته‌گری مداوم، استخراج معادن رویاز زغال سنگ به شوروی اعزام شدند. به طوری که در آستانه سال ۱۳۵۰ ش. ایران از لحاظ نیروی انسانی مورد نیاز صنعت ذوب‌آهن بی‌نیاز از خارج شد. (کارنامه شرکت ملی ذوب آهن ایران، ۱۳۵۰: ۲۰) در نهایت کارخانه ذوب آهن اصفهان تولید آزمایشی خود را در اواسط سال ۱۳۵۰ آغاز نمود. فاز اول کارخانه یعنی کارخانه چدن و تا آخر سال مذکور فاز دوم یعنی فولاد سازی و نورد آغاز بهکار نمودند و بر وفق برنامه‌هایی قرار بود تولید آهن و فولاد کشور در این کارخانه تا پایان برنامه ششم به ۱۵ میلیون تن در سال برسد. (فرودی، ۱۳۵۳: ۱۱۷) ساخت یک کارخانه عظیم ذوب آهن مدرن، طی مدت زمانی بسیار کوتاه ۴ الی ۵ سال آن هم در کشوری که هیچ پیه‌شینه و دانش فنی در این زمینه نداشت دستاوردی بسیار بزرگ و چشمگیر برای یک کشور در حال توسعه در اوج جنگ سرد بود. دولت شوروی نیز نهایت تلاش خود را کرد تا با ساخت یک واحد عظیم صنعتی چون ذوب‌آهن در قلب خاک ایران و انتقال دانش فنی و آموزش کادر برای ایران، به این کشور نشان دهد که شریک تجاری و مربی صنعتی قابل اتکایی است که بسیار بهتر، کامل‌تر و مطمئن‌تر از رقبای صنعتی غربی است. جدا از رقابت‌هایی که در چارچوب جنگ سرد بین دو بلوک قدرتمند شرق و غرب در جریان

بود، بازار رو به رشد ایران و مزیت رقابتی محصولات صنعتی این کشور برای روس‌ها به شدت جذاب بود. علاوه بر احداث کارخانه ذوب‌آهن در اصفهان با کشیدن خط لوله گاز صادراتی برنامه احداث چندین کارخانه ذوب‌آهن که سوخت‌شان گاز طبیعی به جای سوخت آلاینده زغال‌سنگ باشد در دستور کار قرار گرفت. ظرفیت این واحدهای جدید در مرحله اولیه ۱۰ میلیون تن در سال تعریف شده بود. (فرودی، ۱۳۵۳: ۱۱۶) با وجود تمام نکات مثبت این موافقت‌نامه که در نتیجه آن ایران صاحب یک کارخانه مدرن شد و یک گام بسیار بلند در زمینه خودکفایی در صنایع سنگین برداشت اما احداث این کارخانه از لحاظ مکان‌یابی با توجه به مصرف بسیار زیاد آب که می‌بایست از سرشاخه‌های زاینده‌رود تهیه می‌شد و نیز نزدیکی بسیار آن به کلان‌شهر اصفهان، بسیار نامناسب بود. زاینده‌رود در فصول خشک سال آورده آب بسیار اندکی داشت و کارخانه بسیار بزرگ ذوب‌آهن نیاز دائمی و رو به تزایدی به آب داشت که تأثیرات سوء و زیست‌محیطی و مهلکی بر جلگه‌ها و دشت‌های غربی شهر اصفهان داشت. تأثیراتی که در سال‌ها و دهه‌های بعد چهره وحشتناک خود را به نسل‌های آتی نشان داد. (گندمکار، ۱۳۸۹: ۲) ضرورت توسعه اقتصادی و آکراه کشورهای غربی در ایجاد صنایع اساسی و بزرگ در ایران و به موازات آن فشار افکار عمومی در جهت نوسازی کشور و تلاش و کوشش عالی‌جنانی در جهت نشان دادن استقلال در سیاست خارجی خود از جمله عوامل اصلی عقد این موافقت‌نامه بود. دلیل اصلی برای حکومت شوروی در گسترش همکاری‌های فنی و اقتصادی و برخورد دو ستانه با شاه به این جهت بود که ابتدا به ساکن از وابستگی بیشتر ایران به بلوک غرب جلوگیری به عمل آورد و در ثانی مانع تبدیل ایران به یک تهدید امنیتی برای اتحاد جماهیر شوروی شود. از آنجا که صنایع ذوب‌آهن کلید پیشرفت صنعتی بسیاری از کشورها است و بدون ایجاد صنایع سنگین پیشرفت مستقل صنایع غیر ممکن است، به‌رغم انتقادات زیادی که به ناکارآمدی و غیر اقتصادی بودن کارخانه ذوب‌آهن اصفهان مطرح شده است به دلایل متعددی احداث این کارخانه تا حدودی ناشی از واقعیت‌های روز از جمله کمک به استقلال صنعتی ایران، صرفه‌جویی سالانه مقادیر قابل ملاحظه‌ای ارز و همچنین اشتغال‌زایی برای بخشی از نیروی کار علمی و یدی بوده است. بدین ترتیب یکی از خواسته‌های تاریخی مردم ایران جامه عمل پوشیده شد. بسته‌شدن این قرارداد از مهم‌ترین اقدامات عالی‌جنانی در دوران تصدی‌گری وزارت اقتصاد بود.

همزمان با ساخت کارخانه و سایر تاسیسات غول‌آسای ذوب‌آهن در دشت طبس اصفهان، نیاز به‌ساخت شهری مسکونی در نزدیکی این مجتمع صنعتی برای اسکان کارگران و مهندسين ایرانی شاغل در این کارخانه احساس می‌شد. بنابراین ساخت شهر کارگری آریاشهر با بهره‌گیری از دانش ساختمان‌سازی و شهرآرایی متخصصان اتحاد جماهیر شوروی در دستور کار قرار گرفت. این شهر در ۱۲ کیلومتری کارخانه ذوب‌آهن مکان‌یابی گردید و با ملاحظه وجود کوهستانی که دشت طبس را از منطقه ساخت‌وساز شهر جدید جدا می‌کرد از نفوذ آلودگی کارخانه مصون بود. (کارنامه شرکت ملی ذوب‌آهن ایران، ۱۳۵۰: ۲۷) در تاریخ صنعت مدرن ایران معاصر آریاشهر نخستین شهری است که به‌صورت اختصاصی برای کارگران یک رشته بخصوص صنعتی طراحی و ساخته شده است و در دهه‌های بعدی برای ساخت شهرک‌های مسکونی صنایع دیگر در سرتاسر کشور به عنوان یک الگوی موفق همیشه مطرح بوده

است. گزارش سالانه سازمان برنامه و بودجه، ۱/۲۸/۱۳۴۳: ۷۹) شاه در بیست و سوم دی ماه ۱۳۴۴ ش. با همراهی تیم اقتصادی عالیخانی در سفر خود به شوروی و دیدار با مقامات این کشور موفق به عقد موافقت نامه های متعدد و مهم اقتصادی و تجاری شد که یکی از مهم ترین آن، تأسیس دو کارخانه ماشین سازی در اراک و تبریز و احداث خط لوله گاز بود. (منتظری، ۱۳۹۳: ۱۹۳) عالیخانی در خاطرات خود ضمن تشریح اهتمام وزارتخانه مطبوع خود برای تأسیس دو کارخانه عظیم ماشین سازی در اراک و تبریز به کمک شوروی و اقماری آن، از قول شاه نقل می کند که وی در صدد بود که یک دستگاه بزرگ پی افکننده شود تا مثل ایتالیای دوران موسولینی تمام کارهای صنعتی را بکند. (عالیخانی، ۱۳۹۳: ۳۰۶) این گفته که نشانگر ذهنیت تمرکزگرای شاه بود اساس و مبنای طراحی، ساخت و بهره برداری از این دو مجتمع بزرگ صنعتی قرار گرفت. طرز فکری که بیش از آن که به مبدا و کشور انتقال دهنده دانش و تکنولوژی اهمیت دهد، به توسعه متمرکز و فرماندهی واحد در امر اقتصاد و صنعت اعتقاد راسخ داشت. در قرارداد احداث کارخانه ماشین سازی اراک قید شده بود که این کارخانه می بایست با قدرت تولیدی ۲۵ تا ۳۰ هزار تن محصولات فلزی در سال آغاز به کار نماید. طبق قرارداد منعقد شده بین دو کشور از تاریخ انعقاد پیمان مربوطه، شوروی متعهد شده بود که در فاز نخست تأسیس کارخانه به مدت ۳ سال و در فاز دوم احداث کارخانه به مدت زمان چهار تا چهارونیم سال بهایران کمک فنی و مستشاری کند و بر روند احداث و راه اندازی بخش های تولیدی نظارت مستقیم و بی واسطه داشته باشد. در مقابل طرف ایرانی تعهداتی از قبیل رساندن نیروی برق، آب، گاز، احداث ساختمان های مورد نیاز، خطوط راه آهن و جاده آسفالت را پذیرفته بود. (خاکپور، ۱۳۵۵: ۷۵-۷۶) با شروع به کار این واحد عظیم صنعتی، ایران صاحب یکی از مهم ترین شاخه های صنایع سنگین شد و گام بلندی در جهت تحقق خودکفایی در این رشته مهم صنعتی برداشته و شهر اراک به صنعتی ترین شهر کشور در زمینه صنایع غیر نفتی و غیر پالایشی مبدل شد.

ماشین سازی تبریز نیز با ابتکار ایران به وسیله یکی دیگر از کشورهای بلوک شرق یعنی متخصصین چکسلواکی تأسیس شد. ارتباط با چکسلواکی به عنوان مهم ترین کشور صنعتی بلوک شرق از جنبه های زیادی اهمیت داشت که شاید مهم ترین آن تقویت رابطه با مهم ترین و اصلی ترین کشور بلوک شرق یعنی شوروی بود. در میان کشورهای صنعتی اروپای شرقی دهه شصت میلادی چکسلواکی از مهم ترین اقماری شوروی محسوب می گشت که در صنعت ماشین سازی از سرآمدان جهان بود و با توجه به نیاز شدید کشور ایران برای دستیابی به این شاخه مهم صنعتی از یک سو و نیز تلاش چکسلواکی برای تنوع بخشیدن به مقاصد صادراتی جدید و تزریق پول به اقتصاد در حال افول خود، انعقاد یک قرارداد صنعتی را برای هر دو طرف بسیار سودمند می ساخت. انعقاد این قرارداد برای روس ها هم دارای این مزیت عمده بود که به عنوان کشور اصلی نظام سوسیالیستی به نیاز بهاخذ ارز خارجی برای خرید در خارج از محدوده کشورهای کمونیستی برای یکی از صنعتی ترین اقماری شان پاسخی درخور می دادند و ترتیبی می دادند که علاوه بر شوروی سهمی از بازار پر سود ایران به یک کشور سوسیالیستی دیگر نیز برسد. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۷۳) سنگ بنای اولین موافقت نامه های بین دو کشور به ابتکار دکتر داودی سفیر وقت ایران در پراگ با توجه به موافقت نامه ترانزیت ایران و شوروی و با ترغیب سفیر این کشور بهمزایای

صدور سنگ‌های معدنی ایران گذارده شد. (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: ۱۳۴۱ش، کارتن ۵۴، پرونده ۲) پنج سال بعد و در سال ۱۳۴۶ش. مجلس شورای ملی قانونی را باتوجه به ملاحظات ذکر شده تصویب نمود تحت عنوان قرارداد همکاری اقتصادی و فنی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی. بر پایه ماده واحده این قانون، بهدولت اجازه داده میشد قرارداد همکاری اقتصادی و فنی به مبلغ ۱۵ میلیون دلار بین ایران و چکسلواکی برای تاسیس کارخانجات صنعتی در ایران و تهیه و تحویل تجهیزات و ماشین آلات را اجرا نماید. بر پایه ماده یک این قانون دو کشور برای تاسیس کارخانجات صنعتی در ایران و همچنین تهیه و تحویل تجهیزات و ماشین آلات بهو سیله چکسلواکی بهایران طبق شرایط مندرج در این موافقتنامه همکاری خواهند کرد: الف) ریخته‌گری، ب) کارخانجات ماشین و ابزار سازی، ج) کارخانه الکتروموتور سازی، د) کارخانه تلمبه و کمپر سور سازی، ه) کارخانجات برق، و) سایر کارخانجات صنعتی و ماشین آلات و تجهیزاتی که ممکن است مورد توافق طرفین قرار گیرد. (رحمان زاده هروی، ۱۳۹۷: ۲۴۳) بدین ترتیب با چراغ سبز مسکو، ایران در پی انعقاد یک قرارداد پر سود تجاری صاحب یک کارخانه ماشین سازی مدرن در تبریز شد و ضمن استحکام بخشیدن به روابط سیاسی با شوروی، پای مهم‌ترین کشور صنعتی بلوک سوسیالیستی را به صنایع مادر و سنگین خود باز کرد.

یکی دیگر از مهم‌ترین موافقت‌نامه‌هایی که ما بین ایران و شوروی امضا شد، موافقت‌نامه احداث خط لوله گاز بود که قرار بر این بود تا سال ۱۳۴۹ش. کار آن به‌تمام برسد. (خیری، ۱۳۷۹: ۱۵۴) دو عامل عمده وجود منابع سرشار گاز ایران و نیز همسایگی با این کشور در دو سوی دریای مازندران از مدت‌ها پیش توجه دولت شوروی را بهواردات این منبع سوخت بسیار با صرفه برای تغذیه صنایع در حال رشد جمهوری‌های آسیایی خود و سایر نقاط آن کشور جلب نموده بود. مضاف بر این، با فروش مازاد گاز صادراتی ایران به ممالک اروپایی، ارز خارجی قابل توجهی نصیب اقتصاد شوروی می‌شد. (کارردانکوس، ۱۳۶۷: ۲۲۸) نخستین تیم کارشناسان شوروی برای بررسی میزان و حجم قلیل استحصال منابع و ذخایر گاز طبیعی ایران در تاریخ ۶ مارس ۱۹۶۵ میلادی اعزام شدند. (خاکپور، ۱۳۵۵: ۲۴) در نهایت و پس از کش‌وقوس‌های فراوان و در ۲۳ دیماه ۱۳۴۴/۱۳ ژانویه ۱۹۶۶ موافقت‌نامه احداث شاه‌لوله گاز بین ایران و شوروی در مسکو منعقد و در تاریخ هفتم اسفند این موافقت‌نامه به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسید. (فرودی، ۱۳۵۳: ۱۱۸) بر طبق ماده دوم این موافقت‌نامه تعهدات شوروی عبارت بودند از: کمک‌رسانی به امور مربوط به اکتشاف ذخایر گازی ایران، انجام تحقیقات زمین‌شناسی و لرزه‌نگاری مسیر عبور شاه‌لوله گاز صادراتی، تهیه تجهیزات و ادوات صنعتی مورد نیاز و در نهایت انتقال دانش فنی به کارشناسان و کارگران ایرانی. (سنایی و کرمی، ۱۳۸۸: ۱۳۹) احداث این طرح غول‌آسای صنعتی علاوه بر ایجاد یک بازار با صرفه و رو به رشد برای گاز صادراتی ایران، سبب ارتقای دانش فنی-مهندسی فن‌سالاران و مهندسان ایرانی می‌شد چندان که تمام امور مربوط به خطوط لوله قطعه‌ساز-آستارا اعم از تولید لوله‌ها و ملحقیات و وسایل کنترل اتوماتیک و مخابرات را طرف ایرانی برعهده داشت. (خاکپور، ۱۳۵۵: ۷۴) و مسیر پریپچ و خم و ناهموار و بسیار دشوار جنوب تا ایستگاه مرکزی تصفیه گاز

ساوه را نیز ایران باکمک و انتقال دانش فنی از سمت روس‌ها بهعهده گرفته و بهانجام رسانید. (همان، ۷۵). سرانجام در ۲۸ اکتبر ۱۹۷۰ خط لوله ترانزیتی گاز ایران به شوروی به وسیله شاه افتتاح شد و یک بازار دائمی و روبهرشد برای صادرات گاز طبیعی ایران در قبال انتقال دانش فنی در تاسیس کارخانجات و تاسیسات صنایع سنگین ایجاد شد. (همان: ۳۲)

این قرارداد علاوه بر تامین گاز طبیعی مورد نیاز جمهوری‌های آسیایی شوروی برای تجارت خارجی این کشور نیز بسیار پرمفعت بود به این شکل که این کشور مازاد گاز صادراتی ایران را بهاروپا صادر و در ازای آن ارز خارجی که به شدت به آن نیاز داشت، دریافت می‌کرد. برای طرف ایرانی نیز علاوه بر یافتن یک مشتری دائم برای گاز طبیعی این کشور، انتقال فناوری انجام شده بخصوص در زمینه لوله‌گذاری و سایر امور جانبی این صنعت بسیار ذی‌قیمت بود (کارردانکوس، ۱۳۶۷: ۲۲۸). شوروی بعدها دوبار در سال ۱۳۴۹ و ۱۳۵۲ش. در مقابل صدور ماشین‌آلات و وسایل صنعتی بهایران و افزایش حجم تولید کارخانه ذوب‌آهن، خواستار صدور گاز بیشتری بهایران شد. (ایوانف، ۱۳۵۶: ۱۷۹) این درحالیست که بسیاری از محققین و مورخین ایرانی و فرنگی با استناد بهاین نقل قول شاه که اسدالله علم در خاطرات خود نقل می‌کند: خود شاهنشاه روزی به من فرمودند که لوله گاز شوروی به اندازه چندین لشکر در شمال به من کمک می‌کند. {علم، ۱۳۷۷: ۱۳۷} انگیزه دولت ایران در انعقاد این قرارداد پر سود را صرفاً بر آمده از ملاحظات سیاسی ارزیابی کرده‌اند.

قراردادهای بازرگانی

باپایان دوران تنش‌زدایی و اتخاذ رویکرد اقتصادی موازنه‌مثبت ازسوی نخبگان دستگاه حاکم، موافقت‌نامه‌های اقتصادی و بازرگانی زیادی بین دو کشور بسته شد. ازجمله موافقت بازرگانی که تجارت بین دو کشور را برای سه سال ترتیب داد. (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۴۲، کارتن ۳۳۰، پرونده ۲/۶۰۵۴) و در ادامه این روند در ۳۰ خرداد ۱۳۴۲ش. معاهده تجاری دیگری درباره ترانزیت بین دو کشور امضا شد. (مهدوی، ۱۳۸۳: ۳۲۰) علاوه براین موافقت‌نامه طولانی مدت مبادله کالا بین ایران و شوروی در تاریخ ۱۱ اسفند ماه ۱۳۴۵ش. منعقد گردید که به موجب آن در فرایندی پنج ساله نزدیک به ۳۴۲ میلیون دلار کالا میان ایران و شوروی دادوستد می‌شد. (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۴۶-۵۰، کارتن ۳۲۳، پوشه ۶۰۰۵) در اواخر دوره وزارت عالیخانی در پی تلاش‌های او حجم مبادلات بازرگانی میان دو طرف بسیار زیاد شد. بهطوریکه در سال ۱۳۴۷ش. یک میلیون تن کالا میان دو کشور مبادله شد. در تیر همان سال یک هیئت اقتصادی از شوروی به ریاست اسکاچف رئیس کمیته روابط خارجه شوروی از ایران بازدید کردند و موافقت‌نامه‌ای ۹۸ ماده‌ای با ایران امضا کردند و شوروی تعهد داد که اعتبارهای بی‌شتری برای طرح‌های صنعتی بیشتر در ایران، اختصاص دهد. طرح‌هایی که مربوط کارخانه ذوب روی و سرب، تأسیس انبار ۴۰ انبار غله به ظرفیت ۳۲۲ هزار تن، تجدید ساختمان راه‌آهن تبریز به جلفا و... بود. (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۴۷، کارتن ۳۳۰، پرونده ۲/۶۰۵۴) در ادامه قراردادهای هابین دو کشور، تعدادی قرارداد تجاری نیز به‌همت عالیخانی و سایر سیاسیون، بین دو کشور بسته شد. در ۱۲ شهریور ۱۳۴۵ش. یک قرارداد

برای فروش کفش به شوروی امضا شد. این قرارداد، اولین قرارداد فروش و صدور کفش بود که در تالار فروش کارخانه کفش ملی طی مراسم بهامضا رسید. در این مراسم آقایان الکساندر درازدوف رئیس بازرگانی شوروی در ایران، ماندریکین معاون ریاست بازرگانی شوروی در ایران، میشل ا. پوژیلوف مدیر شعبه واردات اداره واستوکینورک مسکو، ایوانوف و اسپیل گروگوف و سوولد اوژیکوف نمایندگان اداره بازرگانی شوروی در ایران و پاود. نیکالف رئیس بلنک روس در ایران، آقایوف از بلنک روس و جلیلزاده معاون ایرانی بانک روس، آقایان مهندس شیرزاد مدیرکل صنایع وزارت اقتصاد و دکتر صدریه مدیرکل بازرگانی خارجی وزارت اقتصاد و مدیران کفش ملی و خبرنگاران جراید حضور داشتند. (زارع، ۱۳۹۸: ۷۹)

در ادامه گسترش روابط دوستانه مابین دو کشور در سال ۱۳۴۸ش. شوروی تبدیل به نهمین صادرکننده کالا بهایران شد و حجم مبادلات بین دو کشور ۱۲ درصد افزایش پیدا کرد. (خیری، ۱۳۷۹: ۱۶۱) سال بعد نیز یک قرارداد جدید اجاری بهمدت ۵ سال بین دو کشور منعقد شد که بهگسترده شدن هر چه بیشتر روابط تجاری بین دو کشور انجامید. سال بعد یعنی سال ۱۳۵۰ش. نیز شوروی همچنان بزرگترین خریدار کالاهای ایرانی بود. (همان: ۱۶۳) در موافقتنامه‌ای که در سال ۱۳۴۹ش. و بعد از دوران وزارت عالیخانی در تهران امضا شد مشخص می‌شود که در طی این سالها حجم تجارت و بازرگانی بین دو کشور رشد زیادی پیدا کرده است. طرفین از پیشرفت برنامه همکاریهای اقتصادی بین دو کشور در یک سال گذشته ابراز رضایت و براساس دستور جلسه تصمیماتی اتخاذ کردند. بعد از گذشت ۵ سال از قرارداد مورخ ۲۳ دی ۱۳۴۴ش. این قرارداد بهعامل مهمی در امر گسترش همکاری بازرگانیاقتصادی ایران و شوروی مبدل گشته است. میزان دادوستد و گردشکالا بین دو کشور طی پنج سال اخیر شش برابر و نیم شده و باسرعت زیاد توسعه میپذیرد. برخی از این واحدها بهکار افتاده‌اند مانند بهره‌برداری از لوله گاز سرتاسری ایران. چند سیلو و نیروگاه برق هم ساخته شده است. کارهای ساختمانی تأسیسات هیدروتکنیکی در ساحل رود مرزی ارس در شرف پایان است و بهره‌برداری از این تأسیسات بهزودی آغاز خواهد شد. ساختمان کارخانه ذوب‌آهن اصفهان به زودی پایان خواهد یافت و ساختمان بزرگترین کارخانه ماشین‌سازی ایران در اراک ادامه دارد. (اسلامی، اکبری، ۱۳۹۷: ۸۰) به این ترتیب با شرکت اتحاد شوروی، بنگاه‌های صنایع ملی در ایران ایجاد می‌گردد که اساس و پایه صنعتی شدن ایران را تشکیل میدهند. این نکته بیش از پیش روشن میشود که توسعه و تکامل روابط بازرگانی و اقتصادی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی به نفع هر دو کشور بوده است.

تهدات مالی شوروی در قراردادهای منعقد شده بین دو کشور

علاوه بر این قبیل معاهدات و عهدنامه‌های اقتصادی، دولت شوروی مبالغی وام در شکل کمک‌های مالی برای توسعه زیرساخت‌های صنعتی و کشاورزی ایران، اعطا نمود که شماری از آنها عبارت بودند از: وامی معادل ۳۸/۹ میلیون دلار در سال ۱۳۴۳ش. / ۱۹۶۴م. برای برقراری خطوط هوایی میان دو کشور (گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۴۶: ۲۰) که مدت زمان آن

تقریباً طولانی (۱۲ سال) و نرخ بهره آن بهطور چشمگیری پایین بود (نشریه وزارت خارجه، شهریور ۱۳۴۵: ۴۲) وام کم بهره دیگری که شوروی در سال ۱۳۴۳ش. در اختیار ایران قرار داد به مبلغ ۱/۷ میلیون دلار بود با نرخ بهره ۳/۶ در صد، که برای تامین احتیاجات صنعتی نیروگاه برق شهر تبریز بهایران اعطا شد (نشریه وزارت امور خارجه، شهریور ۱۳۴۵: ۴۲) اما مهم ترین موافقت نامه های اقتصادی بین دو کشور برای احداث دو کارخانه عظیم ذوب آهن اصفهان و تاسیس ماشین سازی اراک در ازای صدور گاز طبیعی ایران به شوروی در سال ۱۳۴۴ش. می باشد که میتوان گفت این موافقت نامه ها از مهمترین و جنجالی ترین بخش های کارنامه علینقی عالیخانی در سمت وزیر اقتصاد در تاریخ ایران است. دولت شوروی بین سالهای مقارن با تصدی سمت وزارت اقتصاد توسط عالیخانی تعهدات مالی نسبتاً هنگفتی را عهده دار شده و شروع به تزریق پول به طرح های عمرانی و صنعتی در دست اجرای خود در ایران نمود. هنگفتترین کمک مالی اتحاد جماهیر شوروی به دولت شاهنشاهی ایران اعطای مبلغ ۲۶۰ میلیون روبل معادل ۲۸۸ میلیون دلار با بهره ۲/۵ در صد و مدت بازپرداخت ۱۲ ساله بابت خرید ماشین آلات مورد نیاز برای ساخت کارخانه ذوب آهن اصفهان بود. در مقابل ایران گاز و کالا به شوروی صادر میکرد. (مجله خواندنیها، ش ۹۹: ۱۳۴۹) این مبلغ قابل توجه وزنی معادل با ۴۴ در صد کل کمکهای اقتصادی شوروی در یک سال به کشورهای عقب افتاده و در حال توسعه بود. (حیدرینیا، ۱۳۵۳: ۳۴)

باتوجه به موارد گفته شده به خوبی می توان متوجه شد که هر دو کشور از نظر اقتصادی به یکدیگر نیاز مبرمی داشتند و مؤلفه های اقتصادی در گسترش روابط دو کشور تأثیر زیادی داشته است. در این بین عالیخانی بیشترین نقش را در گسترش روابط دو کشور ایفا کرد. وی مهم ترین نقش را در انعقاد تفاهم نامه سال ۱۳۴۴ش. با شوروی داشت. حتی پس از این قرارداد نیز تمام تلاش خود را برای روابط بهتر با این کشور انجام می داد. عالیخانی یکی از نخبگانی بود که متوجه اهمیت اقتصادی شوروی برای ایران شده بود. به همین دلیل وی از این شرایط نهایت استفاده را برد. به عنوان نمونه در مذاکراتی که وی با پاتولیچف داشت تأکید بسیاری بر روابط تجاری ما بین دو کشور داشت. آدمیت سفیر کبیر ایران در شوروی در این باره می گوید: مهمترین مسئله ای که در مذاکرات آقای پاتولیچف با آقای عالیخانی، از طرف عالیخانی به میان آورده شد و با صراحت و تأکید مورد تشریح قرار گرفت، این بود که چرا شوروی ها ترانزیت خود را از راه خرمشهر شروع نمیکنند. آقای دکتر عالیخانی توضیح می دادند و تقاضا می کردند که شوروی تجارت خود را با ژاپن از راه ایران و خرمشهر انجام دهد و همینطور با هند و پاکستان و شرق دور. جناب آقای دکتر اصرار می فرمودند که ما دستور اکید داده ایم که برای حمل و انبارداری و بارگیری و باراندازی و خلاصه همه امور بندری تقدم مخصوص و استثنایی برای کالاهای ترانزیتی شوروی قائل شوند. (اسلامی، اکبری ۱۳۹۷: ۷۴) با توجه به موارد گفته شده، به خوبی می توان متوجه شد که هر دو کشور از نظر اقتصادی به یکدیگر نیاز مبرمی داشتند و مؤلفه های اقتصادی در گسترش روابط دو کشور تأثیر زیادی داشته است. در این بین، عالیخانی بیشترین نقش را در گسترش روابط دو کشور ایفا کرد. وی مهم ترین نقش را در انعقاد تفاهم نامه سال ۱۳۴۴ش. با شوروی داشت. حتی پس از این قرارداد نیز تمام تلاش خود را برای روابط بهتر با این کشور انجام می داد. عالیخانی یکی از نخبگانی بود که متوجه اهمیت اقتصادی

شوروی برای ایران شده بود و به همین دلیل از این شرایط نهایت استفاده را برد. در پاسخ به این پرسش که این اقدامات چقدر توقعات مردم و جامعه نخبگان را برآورده کرده است، باید گفت که بسیاری از پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی، به‌ویژه در زمینه تاریخ اقتصادی، ماهیت بنیادی دارند. اگرچه می‌توان از این پژوهش‌ها انتظار داشت که به کارکردهای عینی دست یابند، اما در نهایت هدف اصلی آن‌ها روشن کردن ابعاد از تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که ممکن است در گذر زمان نادیده گرفته شده باشد. این پژوهش نیز با رویکرد تاریخی خود و اتکا به منابع تاریخی، در تلاش است تا نقبی به مسائلی بزند که شاید به‌طور معمول در دیگر تحلیل‌ها کمتر به آن پرداخته شده است. علاوه بر این، این پژوهش در پی آن است که بدعت خود را در ارائه روایت جدید و ساخت و ساختاری متفاوت در تاریخ اقتصادی دوران پهلوی دوم بگشاید، که می‌تواند به روشن‌تر شدن چگونگی تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر روابط بین‌المللی و داخلی کشور کمک کند. بنابراین، این مقاله نه تنها در راستای برآورده کردن توقعات خاص جامعه نخبگان اقتصادی و سیاسی نیست، بلکه تلاش دارد تا ابعاد جدیدی از تاریخ اقتصادی ایران در دوران پهلوی دوم را بازتاب دهد و زمینه را برای پژوهش‌های آینده در این حوزه فراهم کند.

نتیجه‌گیری

تاریخ روابط خارجی هر کشور به‌مولفه‌های متعدد سیاسی و اقتصادی بستگی دارد. روابط خارجه حکومت پهلوی نیز به‌شدت تحت تأثیر بلوک غرب و آمریکا قرار داشت. اما این‌گونه نبود که مولفه‌های اقتصادی در شکل‌گیری روابط خارجه بی‌تأثیر باشد. شکل‌گیری روابط ایران با شوروی نمونه بارز این مسئله است. رابطه ایران با شوروی در دهه ۴۰ شمسی به‌دلایل اقتصادی و سیاسی رونق گرفت. این مسئله‌ای است که بسیاری از پژوهش‌گران از آن غافل مانده و تنها به‌دلایل سیاسی و کاهش تنش بین بلوک شرق و غرب توجه کرده‌اند. در واقع شوروی به‌عنوان یکی از همسایگان ایران می‌توانست تجارت بسیار با صرفه‌ای با ایران تجربه کند. هرچند که اقدامات اقتصادی و صنعتی این کشور در ایران دلایل سیاسی هم داشت؛ اما تنها نمی‌توان به‌این دلایل بسنده کرد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد شوروی به‌گاز ایران نیاز جدی داشت و خود بزرگترین خریدار کالاهای ایرانی بود. در این دهه به‌علل گوناگون توجهات آمریکا به‌ایران کم‌تر شد و شاه که می‌دانست طرح‌هایی که در سردارد بدون کمک و پشتیبانی نمی‌تواند پیش برد، رو به بلوک شرق و شوروی آورد. شوروی نیز به‌خوبی به تعهدات خود نسبت به ایران عمل نمود و کارخانه ذوب‌آهنی که سالیان ممتد توسط غربیان ساخته نشد را به بهترین نحو ممکن ساخت و کمک شایانی به استقلال و خودکفایی صنعتی ایران کرد. از سال ۱۳۴۱ ش. با انتصاب علینقی عالیخانی به‌عنوان وزیر اقتصاد، صنعتی شدن کشور روند متفاوتی را تجربه کرد و با توجه به‌مزایای فراوانی که عقد قراردادها و تفاهم‌نامه‌های صنعتی و بازرگانی با شوروی نصیب کشور نمود، از همان روزهای آغازین شروع به‌کار وزارتخانه اقتصاد در رشته‌های متنوع صنعتی، کشاورزی، انتقال دانش و فناوری و نیز خدمات مستشاری و فنی با شوروی قراردادهای مفصل و پرسودی منعقد شد.

برخلاف قرائت رسمی تاریخ نگاری رسمی که ارتباط با شوروی را تنش زدایی و تلاش دولت پهلوی برای حل سیاسی مسائل مورد اختلاف دو کشور و جلوگیری از نفوذ جبهه کمونیسم قلمداد می نماید، می بایست اذعان داشت تلاش نخبگان اقتصادی مانند علینقی عالیخانی با اخذ امتیازات مالی بیشتر و برقراری موازنه مثبت میان شرق و غرب بوده است؛ نمونه بارز آن را در مورد انعقاد تفاهم نامه ها و قراردادهای اقتصادی، خرید مقرون به صرفه محصولات و منسوجات روسی به جهت کاهش هزینه حملونقل می توان مشاهده نمود. بنابراین کلان روایت غالب رسمی که همکاری گسترده تر با شوروی را صرفاً باج دادن طرف ایرانی به شوروی در مقابل عدم حمایت مسکو از چپ های ایرانی می داند، با تحلیل اقتصادی قراردادهای منعقد شده نمی تواند صحیح باشد. نکته قابل ملاحظه این است که برخی از نخبگان اقتصادی دوره پهلوی با ایستادگی در مقابل گفتمان رسمی دربار شاه منافع ملی را از طریق برقراری موازنه مثبت بین تمام بلوک های بین المللی دنبال می کرده اند. شاهد دیگر این مسئله گسترده شدن روابط بین دو کشور در دهه ۵۰ میلادی خصوصاً در زمینه بازرگانی است. از آنجاییکه طرح های صنعتی که شوروی در ایران به دنبال ساخت آن بود، در این دهه به پایان رسیده بود، دو کشور روابط تجاری آوردند. در طول سال های بعد نیز چندین قرارداد دیگر در زمینه های اقتصادی بین ایران و شوروی به امضاء رسید. تمامی موارد ذکر شده، تأثیر مؤلفه های اقتصادی بر روابط ایران با شوروی در دوران صدارت عالیخانی است را ثابت می کند. عوامل سیاسی به تنهایی نمی تواند به چنین تعداد تفاهم نامه اقتصادی و تجاری منجر شود. علاوه بر این عوامل سیاسی زودگذر هستند ولی ادامه روابط دو کشور در دهه ۵۰ شمسی حاکی از تمایل دوطرف بهروابطی غیر از روابط صرفاً سیاسی بوده است.

منابع و مآخذ

- (۱۳۷۹) ، ناکارآمدی نخبیگان سیاسی ایران بین دو انقلاب. تهران: نشر قومس.
- اجلالی، پرویز (۱۳۹۸)، نابخردی انسان، کاوشی در آراء و نظریه‌های ویلفردو پاره‌تو. تهران: انتشارات اندیشه احسان.
- ازغندی، علیرضا، (۱۳۷۶)، روابط خارجی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران: نشر قومس.
- اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- افلاطون، (۱۳۷۴)، جمهور. ترجمه فؤاد روحانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ایرانی، ناصر (۱۳۷۰)، روابط ایران و آمریکا و شوروی از جنگ بین المللی دوم تاکنون، شماره ۶۴، تهران: نشریه اطلاع رسانی و کتابداری.
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه؛ مرکز دیپلماسی
- جعفرپور، بهرام (۱۳۹۶)، زبان ذوب، اصفهان: نشر مهرآذین.
- حیدرینیا، محسن (۱۳۵۳)، روابط نو استعماری شوروی با ایران ۱۹۵۶-۱۹۷۳، تهران: انتشارات ندا.
- خاکپور، هرمز (۱۳۵۵)، روابط ایران و اتحاد شوروی ۱۹۴۱-۱۹۷۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خیری، علیرضا (۱۳۷۹) تنش‌زدائی و تأثیر آن بر روابط ایران و شوروی (۱۳۵۷-۱۳۴۱)، تهران: دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق.
- رحمان زاده هروی، محمد (۱۳۹۷)، نگاهی به اقتصاد سیاسی ایران، تهران: نشر اختران.
- روزنامه کیهان؛ سال ۲۳، شماره: ۶۷۲۲، ۱۳۴۴/۱۰/۹.
- زارع، کیمیا (۱۳۹۸)، روابط سیاسی و اقتصادی ایران و شوروی در دوره پهلوی دوم بر اساس اسناد منتشر نشده مراکز فارسی، بوشهر: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خلیج فارس.
- زونیس، ماروین (۱۳۷۰) شکست شاهانه. ترجمه اسماعیل زند و بتول سعیدی. تهران: نشر نور.
- زیباکلام، صادق، (۱۳۷۵) مقدمه ای بر انقلاب اسلامی، تهران: نشر روزنه
- سنایی، مهدی و کرمی، جهانگیر (۱۳۸۸)، روابط تجاری ایران و روسیه (مجموعه مقالات)، تهران: نشر ایراس.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۹۳)، تاریخ روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- عالیخانی، علینقی (۱۳۹۳)، اقتصاد و امنیت (خاطرات دکتر علینقی عالیخانی) به کوشش حسین دهباشی، تهران: نشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- علم، اسدالله (۱۳۷۷)، یادداشتهای علم، ویراستار: علینقی عالیخانی، تهران: نشر مازیار.
- فرودی، علیرضا (۱۳۵۳)، اقتصاد ایران در پرتو انقلاب، تهران: چاپخانه رامین.
- کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی)، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: انتشارات مرکز.
- کارردانکوس، هلن (۱۳۶۷)، نه صلح نه جنگ (امپراتوری جدید شوروی یا حق استفاده از تنش‌زدایی، ترجمه هوشنگ مهدوی، تهران: نشر البرز.
- کارنامه ملی شرکت ذوب آهن؛ ۱۳۵۰
- کیوان، مهدی (۱۳۵۸)، ده سال کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران، تهران: نشر صلح.
- گزارش سالانه برنامه بودجه؛ سال ۱۳۴۳

گزارش سالانه وزارت امور خارجه؛ ۱۳۴۶

گندمکار، امیر(۱۳۸۹)، بررسی اثرات زیست محیطی کارخانه‌های اصفهان بر آلودگی رودخانه زاینده رود، تهران: همایش و نمایشگاه تخصصی مهندسی محیط زیست، انتشارات دانشگاه پیام نور اصفهان.

گولد، جولوس؛ کولب، ویلیام، (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر مازیار.

لاجوردی، حبیب(۱۳۸۴)، خاطرات محمد یگانه، تهران: نشر ثالث.

م.س ایوانف، (۱۳۵۶)، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیزابی، حسن قائم‌پناه، بی‌جا: نشر حزب توده ایران.

مجله خواندنیها؛ شماره: ۹۹: ۱۳۴۹

منتظری، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، بررسی روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷) تعامل یا تقابل؟، فصلنامه تاریخ روابط

خارجی، سال ۱۵، شماره ۵۸، ص: ۲۰۵-۱۷۱

نشریه وزارت امور خارجه؛ ۱۳۴۵

نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۸۸) درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر سمت.

هفته نامه تهران اکونومیست؛ سال ۱۳، شماره: ۶۱۸، ۱۸/۱۰/۱۳۴۴: ۱۲

Alfonso de Pietri-Tonelli and Georges H. Bousquet (۱۹۹۴), Vilfredo Pareto : Neoclassical Synthesis of Economics and Sociology, Classics in the History and Development of Economics (London, United Kingdom: Palgrave Macmillan
Joseph V. Femia (۲۰۰۶) Pareto and Political Theory. Routledge Studies in Social and Political Thought (England: Routledge